

# آینده

د افغانستان د آینده غورځنگ  
مرکزي اورگان

در این شماره:

- سرمقاله
- گزارش سه ماهه فعالیت‌های ائتلاف ... به شورای عالی
- فراخوان احزاب و سازمان‌های مشمول ...
- نخستین همایش احزاب و سازمان‌های دموکرات و ...
- سخن رانی رئیس دوره یی ائتلاف احزاب و سازمانها...
- پیام نهضت آینده افغانستان به دهمین کنگره...
- نگاهی کوتاه در مورد چرخش‌های اقتصاد سیاسی
- امروز چپ بودن چی مفهومی دارد؟
- اشتراک هیئت افغانی در سی و ششمین کنگره...
- پوره (پایینه)
- کارکن سیاسی و کار انقلابی

شماره ۵۲

ثور ۱۳۹۲ مطابق به می ۲۰۱۳

نشریه سیاسی - تیوریک نهضت آینده افغانستان، سال سیزدهم،

سرمقاله

گزارش سه ماهه

فعالیت‌های ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و ترقیخواه افغانستان

به شورای عالی

گزارش دهنده: عبدالله نایبی رئیس دوره یی ائتلاف

رفقا و دوستان گرانقدر،

مهمانان عزیز،

اعضای شورای عالی ائتلاف،

نخست از همه تشریف آوری شما را در کار اجلاس شورای عالی ائتلاف خیر مقدم می گویم. این دومین بار است که ما اجلاس شورای عالی را فراتر از اعضای رسمی آن دعوت می کنیم و زمینه را به دیگر نماینده گان حرکت مترقی کشور فراهم می سازیم تا به گونه مستقیم از فعالیت‌های ائتلاف ما مطلع شوند و بنیادهای اندیشه یی - تحلیلی و راستاهای بعدی پویش ما را دریابند.

باقیمانده در صفحه ۱۳

فراخوان احزاب و سازمان‌های مشمول

"سازمان خارج کشوری ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و

ترقیخواه افغانستان"

عنوانی نیروهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان

مورخ ۳ حمل ۱۳۹۲ / ۲۳ مارچ ۲۰۱۳

رفقا و دوستان گرامی!

گردهمایی ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و ترقیخواه افغانستان در خارج کشور، در حالی برگزار گردیده است که وطن محبوب ما لحظات سرنوشت سازی را در پیش دارد. تصمیم رسمی دولت امریکا مبنی بر واگذاری زود هنگام مسؤولیت‌های امنیتی - دفاعی به نیروهای نظامی افغانستان و تغییر در ماموریت و موقف حقوقی - قضایی نیروهای نظامی امریکا، اعتبار از بهار سال جاری و پیوست با آن تعمیق و گسترش بحران جاری، کشورمان را در وضعیت بدتری قرار خواهد داد.

با آنکه تغییرات نسبی در برخی پهنه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تأمین حداقل آزادیهای دموکراتیک در کشور رونما گردیده است، ولی هرگاه در افغانستان یک حکومت متعهد و صادق به منافع ملی و مسوول

در برابر مردم وجود می داشت، باقیمانده در صفحه ۱۰

به سوی کنگره

روند تشکل نیروهای مترقی افغانی به مرحله یی رسیده است که میتوان آن را گذرگاه ممکن به سوی اقدام تاریخی - و تاریخ ساز - برگزاری کنگره توحید و یگانه گی شمرد. نشستها و گردهمآئیهای فعالان جنبش دادخواه کشور در داخل و خارج و ابراز علاقه مندی جدی آنان برای برپا داشتن یک نهاد بزرگ سیاسی با تلاش پیگیر هفت سازمان و حزب مشمول ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و ترقیخواه افغانستان، گره خورده، زمینه عینی و ذهنی برگزاری کنگره را فراهم می سازند. فضای به وجود آمده، در کل، تشکل واقعی حرکت دادخواهی را در نهاد یگانه، در دستور روز قرار می دهد: چشم انداز رویدادهای پس از سال ۲۰۱۴ نیز عامل دیگریست که دموکراتهای افغانستان را در برابر یک مسوولیت عظیم تاریخی قرار میدهد: آیا واقعاً خواهان ایجاد یک الترناتیف به وضعیت فاجعه بار کنونی اند یا صرف به سیاست بازیها و شعارهای تکررانه و گروه بازیهای بی اثر بر اوضاع، ادامه می دهند؟

مبارزان واقعی مترقی، هم آنانی که در ساختارهای سیاسی امروز می رزمند و هم آنانی که با وفاداری به آرمانها و اندیشه های دادخواهانه عصر ما به طور انفرادی پیکار می کنند، یک پاسخ دارد: باید از بن بست گذر کرد و با شجاعت به سوی کنگره اساسگذار حزب جدید مردمی رفت! در رابطه با برگزاری کنگره، گونه یی وفاق وجود دارد، ولی با کدام میکانیزم میتوان آن را دایر کرد؟ کنگره یگانه گی در پلاتفورم سیاسی و اصول تشکیلاتی ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و ترقیخواه افغانستان، صراحت دارد ولی چه گونه گی سازمان دادن آن به دوش هیئت رهبری ائتلاف است تا با پیش کشیدن یک میکانیزم مؤثر و دموکراتیک، قابل پذیرش برای اکثریت گسترده شرکت کننده گان و با پیش بینی کردن مراحل مختلف انکشاف اولیه حزب، راه را برای چنین اقدام تاریخی باز نماید.

از مجموع بحثها و گفتگوها و نشستهایی که در ماه های اخیر صورت گرفته اند، چنین بر می آید که نگاه ها به سوی رهبری ائتلاف احزاب و سازمان‌های دموکرات و ترقیخواه افغانستان معطوف گردیده اند و جنبش در انتظار تصمیم جدی و اقدامات سازنده آن نشسته است. باید به این انتظار پاسخ

مناسب و به موقع داد!

## نخستین همایش احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان

### در خارج از کشور

و هواخواهان جنبش وطنپرستانه کشور، که بنا بر جبر زمان، کوله بار شان را از وطن موقتاً بر چیده اند، و در خارج کشور باشند شده اند، مطرح نمود و پیوسته تلاش می نماید تا زمینه های لازم تفاهم را با آنها فراهم سازد.

صدیقی گفت: «تلاش ما همیشه در تفاهم و یکجا شدن تمام نیروها به دور یک ارگان سمت دهنده مبارزین راستین در گزینه های پیوستن به ائتلاف و یا وحدت برای ایجاد یک حزب بزرگ متعلق به دنیای کار و انسان رنج کشیده کشور ما می باشد.

در پایان سخنرانی اش یادآور شد: «عشق به کشور و سرزمین پدری یک مهر ابدی و انسانی است، از اینرو عشق ورزیدن به وطن آرمان ماست و همین عشق انگیزه مبارزه دادخواهانه و عدالت گسترانه ما را می سازد. سربلند باد کشور ابایی ما افغانستان».

سپس کاوه کارمل عضو شورای مرکزی و رئیس شورای اروپایی حزب مردم افغانستان در باره کار کردهای شگرف ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان یاد آور شده افزود:

«اجازه می خواهم به نماینده گی از شورای مرکزی ح. م. ا سلامهای گرم هیات رهبری و رئیس حزب ما دکتر محمد داوود راوش را به مناسبت برپایی این همایش به شما ابراز نمایم و برای کارگردهمایی امروزی آرزوی کامگاری و سرفرازی نمایم» کاوه کارمل در یک بخش دیگر سخنانش یاد آور شد: «گذار از همسویی و نجات به پایه گذاری ائتلاف و گام گذاشتن به یک تشکل گسترده تر، سازمان یافته تر، کارآتر و منظم تر همه گانی و واحد، خود نشانه بی سیر ارتقایی کار کردهای ما و همنوایی در بینش زمانه و نیازهای آنست».

کاوه کارمل در یک بخش دیگر سخنرانی اش افزود:

«سال روان و سال آینده خورشیدی برای کارکردهای ائتلاف ما دارای اهمیت بسیار اند، از یکسو تصمیم ناتو در صرف نظر از تأمین امنیت و مبارزه مستقیم با دهشت افکنها، تغییر برنامه جامعه جهانی در باره افغانستان و از سوی دیگر رویدادهای درونی به ویژه برپایی انتخابات ریاست جمهوری در اوضاع نا امن و تداوم بی ثباتی و تشنج خواهد بود».

کاوه کارمل در یک بخش دیگر بیانیه اش گفت: «ما به تدریج به این باور رسیدیم که نیروهای واپسگرا در این مرحله نیز با معاملات گوناگون و زد و بندهای خلاف ترقی و دادخواهی به تحکیم مواضع خود پرداخته و آن چنان که می گویند تضعیف نخواهد شد، در این فرصتی که کاروان زمان با شتاب می گذرد، تشکل نهادها و هواداران دموکراسی پیشرفت و دادخواهی یگانه پاسخی خواهد بود در برابر همه مداخلات بیرونی، نیرنگهای دستگاه حاکمه و پالشهای ناشی از سیاست ها و عملکردهای آنها» در پایان سخنرانی شان گفتند:

«بگذارید وحدت نیروهای دموکرات و ترقیخواه وطن محبوب و آزاده بی ما افغانستان عزیز تحکیم، توسعه و گسترش یابد».

سپس جنرال گلاب الدین صارم فیضی به نماینده گی از حزب پیوند ملی سخنرانی نموده افزودند:

«نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم + چو غلام آفتابم همه از آفتاب گویم»

سپس یاد آور شدند: «اجازه بدهید تا سلامهای گرم و صمیمانه الحاج سید منصور نادری رئیس حزب پیوند ملی و وکیل در مجلس نماینده گان را به شما تقدیم کنم، افتخار دارم که به نماینده گی از حزب ... باقیمانده در صفحه ۱۶

نخستین همایش احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان در خارج از کشور بنا به دعوت کمیته سراسری ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان، روز شنبه مورخ بیست و سوم ماه مارچ ۲۰۱۳ عیسوی برابر به سوم ماه حمل سال ۱۳۹۲ خورشیدی در شهر کسل کشور آلمان برپا گردید.

در این همایش که نماینده گان حزب مردم افغانستان، نهضت آینده افغانستان، حزب پیوند ملی، حزب آزاده گان، حزب کنگره ملی، شخصیتهای مستقل ملی و دموکراتیک، کمیسیون وحدت احزاب و شخصیتهای ملی، دموکراتیک، و ترقیخواه افغانستان، حزب دموکراتهای آزادخواه، کمیسیون مجمع عالی حزب وطن، همایش اروپایی زنان افغانستان و اتحادیه زنان آلمان اشتراک ورزیده بودند، بر بنیاد اجندای از پیش مطروحه، نخست نصیر احمد صدیقی مسوول دورانی کمیته سراسری خارج کشور ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و مسوول هیئت نماینده گی حزب مردم افغانستان با ایراد بیانیه بی این همایش را افتتاح نمود و گفت:

این جایم و ریشه هایم آنجاست

شادابی باغ ارغوانم آنجاست

دیربست در این قفس نفس می کشیم

گر خاک شویم روانم آنجاست

خواهران و برادران، مهمانان عالیقدر، نماینده گان محترم احزاب مشمول ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان؛ اجازه فرمائید، تا از نام کمیته سراسری ائتلاف در خارج از کشور، تشریف آوری و شرکت شما عزیزان را در این گردهمایی خیر مقدم و خوش آمدید بگویم، مسرووم از این که امروز در این همایش تعدادی از نماینده گان احزاب و نهادهای جامعه بی مدنی، شماری از شخصیتهای انفرادی، غیرمتشکل، علاقمند به جنبش دموکراتیک و ترقیخواه افغانستان در کنار اعضای جمعی ائتلاف نیروهای دموکرات و ترقیخواه، در زیر یک سقف گرد هم آمده ایم، تا بار دیگر اراده خویش را برای مبارزه همه گانی از طریق یک نهاد سیاسی سراسری ابراز بداریم.

کمتر از یک سال می شود که ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان پس از هم آهنگی و توافق بالای یک پلاتفورم سیاسی - تشکیلاتی روشن و دقیق، در شهر کابل اعلام موجودیت کرد و تا اکنون ما شاهد شمول هفت حزب و نهاد سیاسی همسو در آن هستیم.

نصیر احمد صدیقی در یک بخش دیگر بیانیه اش گفت:

به تاسی از فراخوان تاریخی ششم حمل سال پار که در آن دعوت صمیمانه و متواضعانه از تمام احزاب، حلقات و نهادهای اجتماعی و شخصیتهای انفرادی جنبش ترقیخواه افغانستان به عمل آمده بود اینک یکبار دیگر کمیته سراسری احترامانه به شما رفقای گرمی که سالهای دراز و طولانی را به خاطر رنجهای بیکران مردم زحمتکش کشور عزیز ما افغانستان، کار و پیکار و تلاشهای دلسوزانه نموده اید مراجعه می کند و از شما در این نشست رفیقانه دعوت می نماید.

صدیقی در یک بخش دیگر بیانیه اش گفت:

کمیته بی سراسری ائتلاف در خارج کشور، در نخستین نشست خویش که پایه گذاری نهاد بیرون مرزی ائتلاف را رسمیت می بخشید، مسأله گسترش و استحکام ائتلاف را از طریق مراجعه به کلیه نهاد های ترقیخواه و به تمام رفقا و

## سخنرانی عبدالله نایبی

## رئیس دوره یی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان در گردهمایی نماینده گان احزاب و سازمانهای مترقی و شخصیتهای سیاسی جنبش دموکراتیک در خارج کشور

شهر کسل ۲۳ مارچ ۲۰۱۳

ابلهی دید اشتری به چرا  
گفت نقش کج است چرا  
گفت اشتر که اندر این پیکار  
عیب نقاش می کنی هشدار  
در کجیم مکن به طعنه نگاه  
تو ز من راه راست رفتن خواه  
سنائی

رفقا و دوستان عزیز،

شما از وضع فاجعه بار کشور با خبرید و هیئت رئیسه ائتلاف در تحلیلها و اسناد فراوانی که از یک سال بدینسو انتشار داده است، آن را باز نمایانده است. اما می خواهم در این جا روی چند جنبه آن تکیه کنم تا باشد که درونمایه و معنای تاریخی گردهمایی امروز ما روشن تر گردد.

امروز یک الیگارش فاسد مافیایی به معنای دقیق کلمه، بر کشور حکومت میکند. سکنهای اساسی قدرت در دست همین الیگارش قرار دارند، فاصله میان قطبهای ثروت و فقر به طور روز افزونی زیاد می گردد. اعمال لجام گسیخته قدرت در جهت حفظ داریهای افسانه یی، یا فرا چنگ آوردن زمینه های جدید ثروت اندوزی، هم *خصلت طبقاتی نظام* و هم *ضعف پایه های اجتماعی و سیاسی* آن را آشکار می سازد. نظام از درون پوسیده است و در صورت نبود حمایت نیروهای بیگانه، فرو می پاشد.

در برابر وضعیت حاکم، مردم افغانستان با ابراز انزجار، بیزاری و خشم، واکنش نشان می دهند. کمتر نظامی در تاریخ کشور بدین حد منفور، غیر مردمی، چپاولگر و در عین زمان دارای امکانات و وسایل عظیم مالی و حمایت گسترده بین المللی بوده است. اگر اکثریت مردم و به ویژه روشنفکران کشور با دوره حاکمیت ح. د. خ. برخورد حسرت آلود می کنند، عمدتاً ناشی از همین ویژه گیهای نظام کنونی است. خصوصیت دیگر نظام این است که ارتجاع غیر طالبی، دیگر کدام ریزرف قابل توجهی ندارد. حزب اسلامی با آنکه خود را رسماً در اپوزیسیون اعلام می دارد، عملاً در دستگاه دولت کنونی حضور دارد و شریک قدرت است.

حضور قوای ناتو - امریکا وضع تناقض آمیزی را برای افغانستان و منطقه به وجود آورده است. مخالفت با حضور ناتو و عدم همکاری با نیروهای نظامی بیگانه که استقلال کشور را زیر سوال برده است، اصل یا پرنسیپی است ارتجاع قرون وسطایی و ایدئولوژیک تحت حمایت آن، نمی بود، رویارویی با ناتو و قوای امریکایی کاملاً موجه می بود. اما امروز، بدیل ملی - دموکراتیک بالفعل وجود ندارد و صدای پای ارتجاع سیاه افغانی - منطقه یی در آستانه مرزهای سرزمین ما به گوش می رسد. تحلیل همین عینیت، خود، راه را به ما نشان می دهد: آیا *تشکل الترناتیف* دموکراتیک، در حضور امریکا - ناتو از امکان بیشتر برخوردار است یا تحت سیادت سیاه ترین نیروهایی که دشمن راه یافتن مردم افغانستان به جهان مدرن و فراگذشتن از بندهای ذهنیت تحمیل شده قرون وسطایی اند؟ پاسخ کاملاً روشن است. هم باید مانع استیلای کامل ارتجاع قرون وسطایی گردید و هم زمینه را برای برگشت قوای بیگانه فراهم ساخت.

رفقا و همزمان گرانقدر،

گردهمایی امروز ما به هدف بحث و گفتگو در باره مسأله مرکزی امروز جنبش دموکراتیک کشور، یعنی *بایسته گی* و *چه گونه گی* تشکل *نیروهای ترقیخواه* و پیشرو در یک *نهاد بزرگ سیاسی* دایر است.

یک سال از اساسگذاری ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه می گذرد. زیستن در روند همسویی و همگرایی به منظور ساختن یک سازمان واحد، جالب و سخت آموزنده است. ما در جلسات پیهم و منظم ارگانهای رهبری ائتلاف و نشستها بین کادرها و فعالین سازمانهای مشمول ائتلاف شاهد آن بودیم که چه گونه دشمنیها باز می ایستند، اختلافات، رفیقانه و صمیمانه مورد کنکاش قرار می گیرند و بیشترین زوده می شوند. همگرایی به کوشش و تلاش با همی رفیقانه مبدل می شود و مهم تر از همه، تصمیم برای رساندن ائتلاف به آماج فرجامین آن، یعنی ایجاد حزب سراسری واحد مترقی و دموکرات، استوارتر و پایا تر می گردد. به همین گونه مشاهده کردیم که کدام حلقات و افراد به خاطر کدام اهداف در صدد برهم زدن این پروژه سازنده سیاسی اند.

امروز، با اطمینان میتوان گفت:

۱- ائتلاف به حیث یگانه امکان تشکل نیروهای مترقی در یک سازمان بزرگ سراسری مدافع منافع مردم افغانستان تبارز کرده است، به گونه یی که یا این برنامه به سر می رسد و آن حزبی که همه ما و شما در آرزوی پدیداری آنیم، ساخته می شود، یا برای مدتی نسبتاً دراز، مردم افغانستان از داشتن یک وسیله سیاسی مؤثر برای تبارز اراده و خواستهای خود بی بهره می ماند. راه سومی وجود ندارد. باید توجه داشت که این حکم ما از روی خود باوری بزرگ بینانه ارایه نمی گردد، بل، از خود وضع عینی جنبش دموکراتیک کشور و ویژه گیهای گذشته و امروز آن، در بستر یکی از مقطعهای پیچیده و گنگ زنده گی سیاسی کشور که با آینده یی نامعلوم در گیر است، بر می خیزد.

۲- ائتلاف پس از دو دهه شکست جنبش، امیدواری جدیی را در اذهان ایجاد کرد و بار نخست این زمینه را فراهم ساخت تا مبارزان دموکرات، روشنفکران کشور و لایه های پیشرو جوانان و محصلان، حتا شماری از کارگزاران رده های مختلف دستگاه دولتی، سیمای نظام دیگری را به جای حاکمیت فاسد مافیایی کنونی، در ذهن ببروراندند. *وجود ائتلاف، تشکل الترناتیف دموکراتیک برای نظام کنونی را به یک امکان تاریخی مبدل ساخت.*

- از ایجاد فضای سالم بحث جلوگیری می کند؛
- جاه طلبی و خود محور انگاری برخی از افراد و حلقات به طور پنهانی یا آشکارا یا از طریق توسل به مانورهای سیاست بازانه؛
- تداوم دشمنیهای گذشته و بیماریهای ایدیالوژیک و سازمانی چون غیبت، تفتین، سبوتاز، نیرنگ، دروغ، افترا و ده ها پتیاره گی دیگر که باعث سر خورده گی و دلسردی هزاران رهرو جنبش گردیده اند؛
- رُخ به گذشته داشتن: اگر دقیق ملاحظه شود، بیشترین وقت رفقای همنشین به بازگویی قصه های تکراریِ چهل یا سی سال پیش وقف می گردد؛ کمتر کسی از مسایل جدی امروزی جنبش و جامعه، یا از محتویات یک اثر تیوریک و علمی یاد میکند.
- و بلاخر ضعف اراده سیاسی، بی ابتکاری و تنبلی روان فرسود ناشی از مهاجرت یا پیشرفت سن.
- با برشماری دشواریها و داده های عینی و ذهنی امروز جنبش دادخواه کشور، می شود چشم انداز وظایف بعدی را در برابر خود هموار کنیم. از این نکته آغاز کنیم که اگر همه مایلیم که در آینده نزدیک در یک حزب در کنار هم به مبارزه مشترک دسته جمعی بپردازیم، باید احکام زیر را که منطقی الزامی اند، بپذیریم:
- ۱- حزب جایگاه اجتماعی رفع مسایل شخصی نبوده، محل فعالیت دسته جمعی برای دگرگون کردن جامعه است. ما باید بپذیریم که در یک جمعیت نا همسان از نگاه عاطفی و ویژه گیهای فردی ولی همسان از نگاه فعالیت سیاسی، شرکت خواهیم کرد، جمعیتی که روی چند اصل زنده گی دسته جمعی استوار می گردد. ممکن همه اعضای حزب، دوستان ما نباشند و ممکن برخی دشمنیهای شخصی کماکان همانند گذشته ادامه یابند ولی این امر نباید به اراده سیاسی ما به حیث مبارزان دادخواه آسیب رساند.
  - ۲- همه ما محور نخواهیم شد، بل، یک کمیته مرکزی که یک ارگان اجرایی متشکل از چند نفر خواهد داشت، محور خواهد بود. باید بپذیریم که اگر دیروز عضو بیروی سیاسی یا عضو کمیته مرکزی ح. د. خ. ا یا حزب وطن بودیم، یا از اراکین بلند رتبه ملکی یا نظامی دولت بودیم، یا امروز رئیس یا منشی این یا آن سازمان چند صد نفری یا چند ده نفری هستیم، فردا ممکن حتا عضو کمیته مرکزی آن حزب ده هزار نفری نباشیم.
  - ۳- ما باید بپذیریم که حزب آینده ما فقط یک رئیس خواهد داشت و اگر از قضای روزگار، آن رئیس، فرزانه یی والا مرتبت و مقبول همه گان باشد، ممکن تا آخر عمر چنین مقامی را در اختیار داشته باشد. یعنی اگر واقعاً می خواهیم یک حزب بزرگ صد هزاری بسازیم باید از همین اکنون بپذیریم که چانس ما برای رئیس شدن خیلی اندک است و نباید فریب توهمات خود بینانه را بخوریم.

چنین است باریک راهی که تاریخ در برابر ما قرار داده است. باید با خونسردی و بدون در غلتیدن به دام شعارهای هیجان انگیز و شبه وطنپرستانه، موضوع حضور و برگشت قوای بیگانه را مطرح کرد: ضدیت اصولی ما با هرگونه لشکرکشی به کشورها، با نظامیگری هدفمند امپریالیستی، در شرایط خاص کنونی وطن و منطقه، باید شکل ویژه یی را به خود بگیرد. **جنبش دموکراتیک باید از این برهه زمانی که تا برگشت کامل قوای ناتو در اختیار دارد، حد اکثر استفاده را کرده، خود را در یک سازمان بزرگ سیاسی متشکل سازد و زمینه را برای ایجاد بدیل نظام فراهم کند.** استقلال واقعی سیاسی کشور، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، صرف به وسیله یک نظام دموکراتیک و مردمی تضمین شده می توانند، یعنی با تشکل نیروهای مترقی و دموکراتیک در یک نهاد بزرگ سیاسی، پیوند دارند. اگر بتوانیم حزب مترقی دادخواهی را بسازیم، به معنای راستین کلمه یک نهاد ملی - دموکراتیک خواهد بود که هم وظایف ملی در مقیاس نگهداشت منافع ملی کشور خواهد داشت و هم وظایف دموکراتیک در دفاع از منافع توده های مردم افغانستان.

همرزمان گرانقدر،

پس از طرح ضرورت اساسگذاری یک نهاد بزرگ سیاسی دموکراتیک، اینک به مسأله چه گونه گی روند تشکل آن به طور فشرده می پردازم تا در گفتگو و بحث باز گردد.

چیزی بیشتر از بیست سال از فروپاشی حزب - دولت دموکراتیک افغانستان می گذرد. از آن ساختار سیاسی، بیش از سی سازمان کوچک و متوسط و یک اکثریت غیر متشکل باقیمانده است. ح. د. خ. ا یا حزب وطن احیاء نگردیدند. تلاش این یا آن سازمان برای "فراگیر شدن" و جذب دیگر سازمانها در خود، به نتیجه نرسید. با در نظر داشت همین واقعیت عینی، شیوه یی برای تشکل نیروهای مترقی یعنی برای ایجاد یک اتحادیه یا یک ائتلاف بر اساس یک سند مرامی و تشکیلاتی مطرح گردید. پس از یک سال گفتگو و بحث در **مجمع همسویی** در کابل، همین طرح، وزین تر به نظر رسید و ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترفیخواه به اساس یک پلتفورم سیاسی - تشکیلاتی اساس گذاشته شد. آنچه در پلتفورم اهمیت فوق العاده دارد، این است که اعضای ائتلاف می پذیرند که در فرجام در یک حزب با هم متشکل شوند، یعنی ائتلاف ما، صرف یک مجمع مقطعی نبوده، بل ادغام استراتژیک اعضا را در یک سازمان واحد، تصریح میدارد. خطوط اساسی - برنامه یی این سازمان را خود پلتفورم ائتلاف تشکیل می دهد.

از آنجا که سازمانهای متعلق به جنبش دموکراتیک و آن اکثریت پراکنده از نگاه طرح اهداف نزدیک برنامه یی از هم تفاوت ماهوی ندارند، تشکل آنها در یک ساختار واحد یک امر ممکن به نظر می رسد.

مشکل در زمینه های زیر نهفته است:

- تعلقات گذشته گروهی و علاقه مندی به این یا آن شخصیت فقید که باعث گونه یی "خود بلند انگاری" نسبت به دیگران شده، روحیه افتراق را دامن می زند؛
- ضعف فرهنگ سیاسی که بیشترین باعث مشاجرات بیهوده گردیده

## پیام نهضت آینده افغانستان

### به سیزدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

#### رفقای عزیز،

نهضت آینده افغانستان به نماینده گی از مبارزان دموکرات و ترقیخواه افغانستان برگزار می‌کند. شما را رفیقانه تبریک گفته برای تان پیروزی، یکپارچه گی و سرفرازی آرزو میکند. با ابراز امتنان از دعوت تان، می‌خواهیم نخست از همه، از همسویی استراتژیک سازمانهای ما در راستای زدودن هرگونه ستم و بهره کشی، رهانیدن بشر از چنبره ایدئالوژیهای کهنه و پسرگرایانه و ساختن جامعه یی مبتنی بر داد و شگوفاهی همه بعدی انسان، یادآور شویم. در دنیایی که سرمایه و دارنده گان آن بی باکانه و اهرمن منش حکومت می‌کنند و روز تا روز گستره زیست آزادانه را به بشر تنگ تر می‌سازند، صدای رزمنده گان انقلابی خود نماد فریاد دادخواهانه بر رواق تاریخ است. زهی چنین زیستن و زهی چنین رزمیدن!

#### دوستان گرانقدر،

به یقین شما آگاهی دارید که مردم افغانستان در جریان سی و پنج سال گذشته، در جنگ، بی امنی، فقر و ده ها مصیبت دیگر زیسته اند. استیلای سیاه ترین نیروهای تاریخ بر سرنوشته کشور به یاری ارتجاع منطقه، به ویژه پاکستان، ایران و کشورهای عربی و امپریالیزم جهانی زیر پوشش مبارزه علیه دهشت افگنی، بر سرزمین ما راه انکشاف و ترقی را بسته است. وعده های ناتو - امریکا مبنی بر تأمین امنیت، استقرار نظام دموکراتیک، تأمین انکشاف و دفاع از حقوق زنان و کودکان، به چیزی جز فاجعه و فقر نینجامید. همین اکنون ارتجاع پاکستان و ایران در انتظار برگشت کامل ناتو اند تا نیروهای خدمتگزار خود را در پایان ۲۰۱۴ مستقیماً در کابل مستقر سازند.

در چنین وضع پیچیده و نگران کننده است که نیروهای مترقی افغانستان روند همسویی و اتحاد خود را دنبال میکنند تا سازمان سیاسی سراسری مدافع مردم افغانستان را اساس بگذارند. خوشبختانه ما روز تا روز به این هدف نزدیکتر شده می‌رویم و امید داریم تا در جریان سالی که در پیش است این معمول را برآورده سازیم.

#### رفقای عزیز،

ما برآنیم که اتحاد و همبسته گی نیروهای انقلابی، مترقی و دموکرات منطقه یک نیاز مبرم و عاجل برای مقاومت در برابر ارتجاع منطقه و امپریالیزم است. از نگر ما، فرصت زیاد در اختیار نداریم باید برای ایجاد اتحادیه منطقه یی سازمانها و نیروهای دموکراتیک، به اقدامات عملی دست زنیم.

ما پیشنهاد می‌کنیم تا در گام اول، یک کنفرانس با شرکت نماینده گان سازمانها، نهضتها و نهادهای مترقی سیاسی - اجتماعی منطقه دعوت گردد و در آن وظایف جنبش مترقی منطقه، جستجوی راه های عملی اتحاد و زمینه جویی پی ریزی یک ساختار دائماً فعال مورد بحث قرار گیرد و در نهایت تصامیم عملی اتخاذ گردد.

#### رفقای عزیز،

اتحاد نیروهای انقلابی و پیشرو ایران برای ما از اهمیت ویژه یی برخوردار است. ما برآنیم که جنبش یک پارچه ترقیخواه ایران می‌تواند تأثیرات ارزشمندی بر روند اعتدالی دموکراتیک در منطقه به ویژه بر جنبش دادخواه افغانی داشته باشد. از هر گامی که شما در این راستا برمیدارید ما استقبال پرشور می‌کنیم.

به امید دستاوردهای بیشتر شما در دفاع از زحمتکشان ایران و جهان!

پیروز باد داعیه برحق نیروهای انقلابی رهایی بخش!

۴- ما باید بپذیریم که نسل دیگری از راه رسیدنیست، نسلی که به چپ دیروزی افغانی صرف به حیث یک واقعیت تاریخی نگاه خواهد کرد، نی به حیث یک تجربه زیسته شده. ما باید بپذیریم که این نسل با نگرشهای تازه و در پیوند با دنیایی که در آن خواهد زیست، مسایل سیاسی و اجتماعی را به گونه دیگری مطرح خواهد کرد که برای ما لمس شدنی نخواهد بود.

وقتی این احکام را بپذیریم و اراده سیاسی خود را مبنی بر شرکت در روند ایجاد حزب متعلق به اقشار فرودست جامعه افغانی به آن افزودیم آنگاه یگانه موضوع قابل بحث که باقی میماند، چه گونه گی یا میکانیزم این روند خواهد بود.

موضوع شرکت احزاب و سازمانها روشن است. پیوستن به ائتلاف، آنها را مشمول پروسه می‌سازد. آنها تا کنگره اساسگذار حزب واحد، از استقلال سیاسی و سازمانی خود برخوردار اند و در صورتی که پراتیک سیاسی ائتلاف را با هویت خود سازگار نیابند، می‌توانند از آن برون شوند، ورنه با دیگر اعضا به سوی کنگره خواهند رفت.

موضوع شرکت افراد و حلقهات غیر متشکل، در جلسات هیئت رئیسه ائتلاف مورد بحث قرار گرفت و طرزالعملی برای آن تدارک دیده شده است به شرح زیر:

اگر رفقای نامبرده عضویت سازمانهای عضو ائتلاف را نمی‌پذیرند، یا خود برای ایجاد کدام سازمان اقدام نمی‌کنند، می‌توانند از طریق عضویت در یکی از گروههایی که همانند احزاب و سازمانها به ائتلاف پذیرفته می‌شوند، در کار ائتلاف و روند تشکل حزب واحد سراسری، شرکت کنند. هیئت رئیسه ائتلاف با در نظر داشت وضع عینی جنبش در خارج کشور، فیصله کرد تا گروه های حداقل صد نفری غیر متشکل شخصیتها، کادر ها و فعالان جنبش دموکراتیک افغانی مقیم خارج کشور را که در یک لیست واحد نام نویسی می‌کنند، به حیث اعضای ائتلاف بپذیرد. پنج تن از هر گروه به عضویت مجمع عمومی و از این شمار، دو تن به شورای عالی و از این دو تن یک نفر به هیئت رئیسه ائتلاف، پذیرفته می‌شوند. افراد نامبرده از سوی خود گروه انتخاب شده رسماً معرفی می‌گردند. با این میکانیزم زمینه شرکت تمام رفقا و علاقه مندان ایجاد یک سازمان بزرگ سیاسی برای مردم افغانستان، فراهم می‌گردد.

همراهان گرانقدر،

اینک که مسأله مرکزی و اساسی جنبش دموکراتیک کشور را به طور دقیق و مشخص نشانی کرده ایم، باید به بحث در باره آن بپردازیم، منطقی ترین، عملی ترین و کوتاه ترین راه را برای تشکل برگزینیم.

- به امید آن که در آینده نزدیک در یک سازمان بزرگ سیاسی خدمتگزار خلق افغانستان با هم متحد شویم.
- پیروز باد داعیه برحق مبارزان سنگر آزادی و داد!

ما باید بپذیریم که نسل دیگری از راه رسیدنیست، نسلی که به چپ دیروزی افغانی صرف به حیث یک واقعیت تاریخی نگاه خواهد کرد، نی به حیث یک تجربه زیسته شده. ما باید بپذیریم که این نسل با نگرشهای تازه و در پیوند با دنیایی که در آن خواهد زیست، مسایل سیاسی و اجتماعی را به گونه دیگری مطرح خواهد کرد که برای ما لمس شدنی نخواهد بود.

احمد ضیا سپهر صدیقی:

## نگاهی کوتاه در مورد چرخشهای اقتصاد سیاسی (بخش اخیر)

### نقش اقتصاد سیاسی در نظریات ریکاردو

«ریکاردو» در سال ۱۷۷۲ در شهر لندن در یک خانواده یهودی تولد یافت. پدرش که دلال بورس کالا بود، از همان آوان جوانی، او را به رموز تجارت، صرافیه و پول اندوزی آشنا کرد.

بعد از ازدواج، «ریکاردو» از پدر خود جدا شد و مستقلاً به شغل دلالی بورس سهام اشتغال یافت و در اندک مدت، ثروتی سرشار به دست آورد.

او در سال ۱۸۱۹ به وکالت مجلس عوام انتخاب شد. در سال ۱۸۲۱ باشگاه یا کلوب، دانش اقتصادی را تأسیس کرد؛ که در نوع خود، نخستین مؤسسه مطالعات اقتصادی بود.

«ریکاردو» در آغاز کار، از طریق مسایل بانکی به علوم اقتصادی علاقمندی پیدا کرد؛ مزید به آثار دیگر، کتاب «اصول علم اقتصاد» را در سال ۱۸۱۷ انتشار داد، در سال ۱۸۲۳ رساله دیگری درباره حمایت کشاورزی منتشر ساخت، در سال (۱۸۲۴) به عمر ۵۱ ساله گی درگذشت.

### فشرده برخی نظریه های «دیوید ریکاردو»:

#### نظریه ارزش نسبی:

ارزش از نظر «ریکاردو»، تنها براساس مقدار کاری که برای تولید یک کالا صرف شده و در آن نهفته است، تعیین می شود. او دو عامل دیگر تولید، یعنی سرمایه و زمین را که در نظریه ارزش «اسمیت» در تعیین ارزش مؤثر بود، کنار می گذارد.

«ریکاردو»، تیوری ارزش کار را به صورت نسبی ارایه می کند؛ زیرا به نظر او، اولاً مقدار کاری که برای تولید یک کالای معین لازم است، متفاوت است؛ چرا که تولید کننده گان برای تولید یک کالای معین، اوقات متفاوتی صرف می کنند؛ ثانیاً، یک کالا در بازار اجباراً براساس ارزش، مبادله نمی شود؛ بلکه مبادله، تحت تأثیر قانون عرضه و تقاضا انجام می شود.

#### نظریه تعادل:

«ریکاردو» معتقد است که، اقتصاد، همیشه به طور اصولی تمایل به تعادل دارد. او تنها سه عامل را نام می برد که، میتواند در جریان اقتصاد اختلال ایجاد کرده و موجب از بین رفتن تعادل شود. این سه عامل عبارتند از:

- ۱- انباشت سرمایه: با انباشت سرمایه، مازاد تولید به وجود می آید. با مازاد تولید، تقاضایی در بازار برای کالاهای مصرفی، وجود نخواهد داشت.
- ۲- پیش بینی نادرست کارفرما: کارفرما ممکن است در پلان تولید، به خاطر برآورد غلط، در پیش بینی میزان تقاضا اشتباه کند.
- ۳- عوامل خارجی: اختلالهای سیاسی، مانند جنگ و مقررات مالیاتی و گمرکی و یا عوامل طبیعی، مانند خشکسالی و حوادث طبیعی، می تواند مانع جریان طبیعی اقتصاد شود.

#### نظریه توزیع ثروت: در جامعه اقتصادی ریکاردو سه طبقه وجود دارد:

- ۱- سرمایه داران: که در مقابل ارایه سرمایه، سود دریافت می کنند و از محل سود به تراکم سرمایه می پردازند.
- ۲- کارگران: که از نظر تعداد، بزرگترین طبقه را تشکیل می دهند و چون مالک عامل تولید نیستند، مجبورند با درآمدی به نام دستمزد، زندگی کنند.

۳- مالکان زمین؛ که با داشتن زمین و عرضه آن برای کشت و زرع، از زارعان، بهره مالکانه دریافت می دارند و به مرور زمان، غنی می شوند. «ریکاردو» برای تشریح "نظریه توزیع ثروت" خود به تجزیه و تحلیل سه نظریه دیگر می پردازد:

#### اول- نظریه بهره مالکانه،

او از بررسی خویش چنین نتیجه می گیرد که با افزایش جمعیت و ثابت ماندن سطح زمینهای مرغوب و به علت ایجاد بازده نزولی، قیمت مواد غذایی افزایش می یابد و بدین ترتیب، حجم بهره مالکانه بالا رفته و سهم مالکان زمین افزایش می یابد.

با درک این که تمایل به افزایش بهره مالکانه، برای آینده دستمزد و سود، اهمیت اساسی دارد. بر مبنای این تمایل بود که «ریکاردو» به آینده نظام سرمایه داری بد بین بود و آن را در ایجاد اختلاف طبقاتی مؤثر می دانست و معتقد بود که بهره مالکانه، ناشی از خسیس بودن طبیعت است. از آن جایی که بهره مالکانه تنها در صورت افزایش جمعیت و ثابت ماندن شیوه فنی تولید صورت می گیرد، معتقد است که منافع مالکان، با منافع سرمایه داران و کارگران تضاد دارد.

#### دوم- نظریه دستمزد،

او باور دارد که دستمزد یا قیمت بازار کار، پیوسته تمایل دارد، به سوی حداقل فیزیولوژیکی که، قیمت طبیعی کار است، نوسان یابد. چنانچه دستمزدها افزایش یابد، سطح زندگی ارتقاء یافته و در نتیجه میزان ازدواج بیشتر و رشد جمعیت افزون تر می شود. نتیجه بعدی افزایش عرضه کار و کاهش دستمزد است. همچنین در صورت کاهش دستمزد به کمتر از حداقلی که برای ادامه زنده گی و کار کردن لازم است، عرضه نیروی کار به دنبال مرگ و میر کارگران کاهش یافته موجب افزایش دستمزد در سطح حداقل یا قیمت طبیعی کار می شود.

#### سوم: نظریه سود،

«ریکاردو» در مورد سود می گوید، اگر دستمزدها براساس بعضی قوانین طبیعی تعیین می گردد، در این صورت لزومی نمی بیند که در جستجوی قانون تعیین کننده میزان سود باشد. (سود از نظر «ریکاردو» پس مانده درآمدی است؛ که پس از توزیع مُزد و رانت، عاید سرمایه دار می گردد).

«ریکاردو»، سود کافی را شرط لازم و کافی رشد اقتصادی می داند و می گوید: "اگر درآمد سرمایه، کافی باشد حجم پس انداز افزایش یافته و توسعه اقتصادی رخ خواهد داد؛ بنابر این آهنگ رشد اقتصادی تحت سیطره نرخ سود قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر، سود با دستمزد، رابطه عکس داشته و با توجه به رشد جمعیت و قانون بازده نزولی، مقدار بهره مالکانه افزایش می یابد و باقیمانده آنکه مقدار ثابتی است، برای تقسیم میان دستمزد و سود اختصاص می یابد. بنابراین هرگاه دستمزد افزایش یابد، لزوماً باید مقدار سود کاهش یابد."

#### چهارم: تجارت بین المللی،

او می گوید؛ گسترش تجارت خارجی، نتایجی شبیه توزیع ثروت دارد و تأکید می کند که: "چون اکثر کالاهای قابل تکثیر یا تولید شده در بخش کشاورزی، کالاهای دستمزدی" هستند، به همین جهت اعمال سیاست حمایت وسیع ←

کتابهای «آدام اسمیت» و همچنین اثر تازه تالیف شده «دیوید ریکاردو» با عنوان «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات بندی» را بخواند و خلاصه نویسی کند که «جان» در سال ۱۸۲۰ آنها را در قالب کتابی منتشر کرد.

در سال ۱۸۳۰ میل به فرانسه رفت. او در آنجا با انقلابیون، انقلاب دوم فرانسه دیدار کرد و با نوشته‌های «آگوست کنت» و «سن سیمون»، جامعه شناس فرانسوی آشنا شد. در همین ایام میل دست به کار نگارش پنج رساله زد، که بعدها تحت عنوان «رساله‌هایی در باب برخی مسایل حل و فصل نشده اقتصاد سیاسی» منتشر شد. در سال ۱۸۴۸ کتاب «اصول اقتصاد سیاسی» او منتشر شد.

«جان استوارت میل» که از نظر فکری در مکتب «فایده باوری» پرورش و رشد یافته بود، بعدها در آموزه‌های نخستین آن تجدید نظرهایی کرد و موضوع عدالت اجتماعی را به یکی از مباحث سیاسی و اقتصادی خود تبدیل کرد، او به موضوع عدالت در اثر خود که تحت عنوان «پوتیلیتاریسم» (فایده باوری) در سال ۱۸۶۱ منتشر شد پرداخت. وی در آغاز این اثر خاطر نشان می‌سازد که نوشته او در خدمت فهم بهتر و قدرشناسی منصفانه تر از نظریه «فایده باوری» و «خوشبختی» و اثبات آن به رشته تحریر درآمده است.

«استوارت میل» را به جهت آنکه اقتصاد سیاسی کلاسیک بورژوازی توسط او به حد اعلای کمال خود رسیده بود؛ گاهی آخرین اندیشه پرداز اقتصاد کلاسیک معرفی کرده اند و چون از نیمه دوم عمر خود به سوسیالیسم گرایش یافته بود او را سوسیالیست نامیده اند.

«جان استوارت میل» در پرداختهای اقتصادی خود، اصول قانون تکثیر جمعیت «مالتوس» و قانون مزد - حد اقل معیشت و رانت «ریکاردو» را تشریح و تیوری تجارت خارجی او را تکمیل کرد.

«استوارت میل»، قوانین اقتصادی را مثل قوانین طبیعی لا یتغیر و ازلی می‌داند و عقیده دارد که آن قوانین همه جا و همه وقت صادق است و به هیچ وجه تعارضی با آزادی فردی ندارد. او به این باور بود که در نهایت قوانین اقتصادی بر دو نوع اند: یک نوع مربوط به تولید که ثابت و مطلق و ازلی است و دیگری مربوط به توزیع ثروت که امری است اجتماعی و نسبی. به نظر او بهترین سازمان اجتماعی در پرتو وجود آزادی به دست می‌آید و به تفضل دخالت دولت امکان تغییر قوانین ظالمانه توزیع که ساخته و پرداخته ی اجتماع است امکان پذیر است.

برنامه و مدلی که «استوارت میل» پیشنهاد می‌کند به محور سه نظریه دور می‌زند:

#### ۱- لغو سیستم مزد بگیری،

حال که سیستم مزد بگیری منجر به تعیین مزد در حداقل معیشت می‌شود و بنا به نظر «مالتوس» و «ریکاردو»، مزد کارگر در هر زمان و مکان به میزانی تعیین می‌شود که از حداقل معیشت تجاوز نمی‌کند، پس بهتر آن است که از طریق تامین شرکتهای تعاونی تولید و با مشارکت سرمایه و کار، سیستم دیگری را جانشین مزد بگیری کنیم.

#### ۲- ضبط رانت ارضی،

ضبط رانت ارضی و اجتماعی کردن آن به نفع جامعه، به نظر «استوارت میل»، طریقه صحیح خلع ید از رانت خواران است؛ زیرا اگر نظریه «ریکاردو» را در باب رانت به یاد داشته باشیم نفع مالک به ضرر طبقات دیگر است و رانت خواران هنگامی از نعمت بیشتر برخوردار خواهند شد که دیگران با کار و مشقت بیشتر به کشت و زرع زمینهای پست تر و نامرغوب تر پرداخته باشند. حال اگر نفع مالک به ضرر سایر اعضای جامعه افزایش می‌یابد و محصول کار اشخاص به آن تعلق ندارد پس باید آن منافع را از ید مالک خارج

از صنایع کشاورزی بی‌مورد بوده و با آزادی تجاری در این بخش، منافعی که برای اقتصاد از ورود کالاهای کشاورزی حاصل می‌شود، بیشتر از منافع ورود کالاهایی است که به وسیله اغنیا مصرف می‌شود.

«ریکاردو» توجه کمتری به حمایت از کالاهای صنعتی معطوف می‌دارد؛ زیرا از نظر او هرگاه قیمت کالاهای صنعتی، نسبت به سطح طبیعی آن افزایش یابد، ورود سرمایه به داخل این فعالیتها، موجب خواهد شد، تا این منافع از بین برود و قیمت به سطح طبیعی تنزیل یابد.

#### پنجم: پول و انتشار آن،

در مورد سیاست پولی عقیده «ریکاردو» بر این بود که: «اگر بانک انگلستان، اسکناسهای قابل تبدیل به زر و سیم (طلا و نقره) را انتشار دهد، این عمل، سبب خارج شدن فلزات گرانبها از جریان اقتصاد و احیاناً فرار آنها از کشور خواهد بود و اگر جریان اجباری پول کاغذی برقرار و از تبدیل آن به فلزات گرانبها امتناع شود، به ناچار ارزش پول، تنزل خواهد یافت. پس چاره این است، که برای حفظ ارزش پول، بانک انگلستان به تدریج میزان اسکناسهای خود را تقلیل دهد؛ ولی برای اجتناب از هرگونه مشکل عمده، باید این عمل با نهایت آهسته گی انجام شود».

با اتکا به نظر فوق گفته می‌توانیم که «ریکاردو» هوادار "نظریه مقداری" پول بود.

به صورت خلاصه می‌توان گفت که «ریکاردو» از اولین اقتصاددانانی است که کار برد یک مدل اقتصادی را به طور جدی مطرح ساخت و در طرح و تدوین "نظریه ارزش کار" و در ترسیم سیاست آزادی تجارت و تیوری "مزیت نسبی"، نقش بیشتاز را داشت.

او طرح چه گونه گی تقسیم منافع کل را بین اجاره، دستمزد و سود بیان کرد، وی به کارگیری و گسترش ماشین را عامل بیکاری می‌دانست، «ریکاردو» نظامی اقتصادی را طراحی کرد، که در آن نظام عناصری مانند تقاضا و مطلوبیت، نقش بسیار کمی در تعیین قیمت نسبی داشتند و برعکس هزینه تولید، اصلی ترین نقش را در این نظام داراست.

#### جان استوارت میل، اندیشه پرداز اقتصاد سیاسی،

«جان استوارت میل» (John Stuart Mill)، متولد ۲۰ می ۱۸۰۶ وفات ۸ می ۱۸۷۳، متفکر بزرگ بریتانیایی قرن نوزدهم است. وی گذشته از آن که نویسنده بی‌چیره دست بود و در زمینه منطق، نظریه شناخت، اخلاق و اقتصاد قلم می‌زد، شخصیتی فعال در عرصه سیاست به‌شمار می‌آمد.

او در ۱۸۲۳ مدتی طولانی کارمند کمپنی هند شرقی و چندی هم رئیس آن کمپنی بود. در دهه ۱۸۶۰ او نماینده مجلس عوام در پارلمان بریتانیا شد و به دفاع از سیاست لیبرال در مسایل قانونگذاری و آموزشی پرداخت.

نوشته‌های سیاسی «جان میل»، پیرامون مسایل مربوط به حقوق و آزادیهای سیاسی، حکومت پارلمانی و جایگاه و پایگاه زنان در جامعه بوده است. «جان میل»، در فلسفه باورمند به اصالت تجربه و اصالت سود بود. بنیانگذاران این مکتب «جرمی بنتهام» و پدر وی «جیمز میل» بودند.

«جان استوارت میل»، در خانواده‌یی متوسط و شاید هم از لحاظ اقتصادی فقیر در لندن به دنیا آمد. پدرش «جیمز میل» فرزند یک کفاح روستایی در اسکاتلند بود. «جان استوارت میل» از سه ساله گی آموختن زبان لاتین را آغاز کرد. پدرش هیچ‌گاه او را به مدرسه نفرستاد، منظورش این بود تا فرزندش را به شیوه خاص خودش تربیت کند.

در ۱۳ ساله گی آموزش اقتصاد را آغاز کرد. «جیمز» در این سال یک دوره کامل اقتصاد سیاسی را به «جان میل» تدریس کرد و او را موظف کرد

نویسنده: دکتور داریو. ل. مشادو رودریگس

برگردان: داؤد اسعد

## امروز چپ چی مفهومی دارد؟

یا راست از کدام چیزی؟ چپ از کدام فردی و یا چپ از کدام چیزی؟ اما آموزش مجموعی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی با وجود از میان رفتن کشورهای سوسیالیستی در اروپا و آنکه این حادثه نقطه عطفی در تاریخ بررسی می گردد، نتوانست استفاده از این اصطلاح را سد راه گردد و با وجود تأثیرگذاری همه برهمیها و درهمیها به استفاده عنعنوی از این اصطلاح نقطه انجام بگذارد.

### چپ قرارداشتن و چپ بودن،

در صفحات بعدی استفاده عنعنوی (سده گذشته) این اصطلاح به توضیح گرفته خواهد شد، ولی با یک سلسله توضیحاتی که من آن را غیر قابل توجیه می شمارم تا بتوان این دو مفهوم را در کنار هم بررسی کرد: "چپ قرار داشتن" و "چپ بودن". این توضیحات صرفاً جنبه توضیح اصطلاح را دارد. این توضیحات فقط در خدمت میتودولوژی آموزش و تحلیل پروسه های سیاسی قرار داشته و ما خواهیم دید که هیچ رابطه یی با کشیدن خطهای فاصل، نامگذاریها و غیره ندارد. زیرا هدف آن این است تا بتوان میان آنانی که "حقیقت طلب" اند و "دیگران" قبول "تفاوت" کرده باشیم و پهنای تقابل با واقعیت مرحله پسینه سرمایه داری را مدلل ساخته و حلقه های اتصالی جنبش ضد سرمایه داری را مطالعه کنیم.

هرگاه کدام فردی، کدام گروهی و یا کدام سازمان سیاسی به گونه مثال نیولیبرالیزم و سیاست تخریبگرانه کنسرنهای فراملیتی را مردود می داند، در آن صورت خودها را چپ ازین واقعیت صف آرایی می کنند - ولی با چنین عملی هنوز نباید چپ محسوب گردند، زیرا هر یک از کتگوریهای بالایی با سرمایه داری به حیث یک سیستم در ضدیت قرار دارند. موضعگیریها و تعاملات سیاسی را آنانی - با معیارهای متفاوت - معین می دارند که چپ قرار دارند و چپ هستند و بدون شک هر دو در تاریخ و سیاست نقش مثبتی را ایفا میکنند. در واقعیت امروز "چپ قرارداشتن" به معنی آنست که - بدون در نظر داشت سطح شعور سیاسی که معرف آنست - خودها را با اهداف آرمانی که در تفکر و عمل هر یک از انقلابیون بازتاب می یابند، آشنا ساخت.

سوسیالیزم به مثابه آرمانی برای رهایی بشریت، طالب رشد فکری و فعالیتهای مشخص و دقیقی است که ترکیب آن با در نظر داشت خصوصیات مختص به سیر انکشاف زمانی سرمایه داری، خلیها مغلط و متفاوت است. درجه مؤثریت این ترکیب یا سازمانیابی آن در رابطه مستقیم با کوشهایی در مورد علل این بربریت قرار دارد.

کنگاش مجدد و رای ماهیت "چپ بودن" نسبی است و - همانند همه کنگاشها - تابع محاسبه دقیق و معین تاریخی می باشد. چپ بودن می تواند امروز یک معنی و فردا معنی دیگری داشته باشد که خود معرف خصوصیت نوین است. به گونه مثال سکتور میانه حال مؤسسات تولیدی را در نظر می گیریم که از ایده دسترسی مجدد به ثروتهای ملی، که اکنون کنسرنهای فراملیتی آن را تصاحب کرده اند، دفاع میکند. بدین ترتیب آنها امروز واضحاً موضعگیری در خط چپ دارند، با وجودیکه آنها (عین) اهداف استراتژیژیک ضد سرمایه داری را تعقیب نمی کنند.

تعریفی برای چپ به معنی چپ بودن، دریک دورنمای تعمیمی استراتژیژیک و دراز مدت به نظرمن در برگیرنده مشخصه های فردی و سازمانی چون ضد ←

کاملاً به جاست که بشریت (بعد از انحلال کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و اتحادشوروی، در نتیجه پیروزی سرمایه داری پیشرفته در زمان «جنگ سرد» نامنهاد مدت زمان زیادی ضرورت نداشت تا دوباره مباحثه روی طراحیهای چون «ترقی»، «سوسیالیزم»، «چیپها»، «انقلاب» و سایر مفاهیمی که درخفاً به موجودیت خود ادامه داده و رخت سفر نبسته بودند، تکیه نموده و آنها را دوباره به مفاهیم روز مبدل گرداند و این مباحثه زمان زیادی دچار انتظار نشد، زیرا درین بحبوحه یگانه سیستم ممکن بازمانده که با تضادهای غیر قابل حل درونی، داروینیزم اجتماعی و درخشش مرموزی از تیورسینهای آن چون «فرانسس فوکویاما» گست ناپذیر است، همانا سیستم سرمایه داریست. درین میانه بشریت بود که طور عاجل به الترناتیفی در برابر این فاجعه ضرورت داشت که آنهم نه به آن انجامید، طوریکه روشنفکر کوبایی «ایلیادیس اکوستا» آن را پایان تاریخ نام گذاشت، بلکه پایان تیوریهای «فوکویاما» بود.

عدم کارایی تیوری میان تهی "پایان تاریخ" معرف آنست که ضرورت مقابله بیشتر از پیش در برابر عقب زدن خودکامه گی سرمایه داری و مبارزه در برابر آن به مثابه یک سیستم - موضعگیری است که بدون شک منتج به محتوای واقعی می گردد - ضروری پنداشته می شود. طفره رفتن ازین مطلب به معنی آنست که بایستی از حل مسأله اساسی دیده پوشی کرد و در نهایت باعث عدم قابلیت شد که نتوان نیروهای کارا را برای از میان برداشتن سرمایه داری متمرکز ساخت.

این امر دقیق است که بشریت امروز در برابر پرابلمهای جدی قرارداد که موجودیت شان را تهدید می نمایند و مبرم ترین وظیفه آنست تا شتابانی این پروسه را به کاهش رهنمون شد. بناءً دستهای فعال کنونی هنوز هم کافی نیست". ولی این دستها پاسخگوی سوالهای متعددی نیستند که طور مستمر دایره پرابلمها با آن مواجه اند: آیا تفاوتهای اساسی میان منطق و نیولیبرالیزم و منطق جمعی سرمایه داری وجود دارند؟ ممکن است که با از پا درآمدن نیولیبرالیزم امروز امپریالیزم پایان یابد؟ هرگاهی سرمایه داری لیبرال منتج به امپریالیزم و نیولیبرالیزم گردید، کدام انکشاف مثبتی را بشریت می تواند از سرمایه داری غیرلیبرال انتظار داشته باشد؟ هرگاهی پرابلم اساسی سرمایه داری است، در آن صورت وظایف تاکتیکی نیروهای چپ کدامها خواهند بود؟ امروز چپ بودن به چه معنی است؟ سطور بعدی را من به همین مسأله اختصاص می دهم.

به جا نخواهد بود هرگاهی تاریخچه مشهود اصطلاح سیاسی "چپ" را تکرار نمائیم، ولی می شود گفت که در عنعنه مبارزات اجتماعی سده های نوزدهم و بیستم در مجموع تعریف پذیرفته شده این واژه چنین بود: "راست" در توصیف نیروهای محافظه کار، "چپ" در توصیف نیروهای تغییر پسند، "راست" برای "ارتجاع"، "چپ" برای انقلاب، "راست" سرمایه دارها، "چپ" سوسیالیستها و غیره.

این که ما تا کدام حدودی موضعگیریها را چپ و راست تعبیر می داریم، بهتر است که ماهیت عینی و نسبی این روابط را بدانیم. راست از کدام فردی



فلسفی و ادای سهم آن برای روشن ساختن ابهامات به کمک همان "ابهامی" که سکتورهای وابسته به سرمایه به شکل نادرست تفهیم می دارند، می باشد تا برخورد سیاسی توده های وسیع مردم هنگام دریافت راه حل به انحراف بیانجامد.

قسمتی از فاکتورهای سیاسی که مبین مشخصه های یک سازمان است (از نظر شکل و محتوای تشکیلاتی آن و غیره) بازتاب دهنده پلاتفورم ایدیولوژیک، برنامه سیاسی و شیوه مشخص مبارزه آن می باشد. این امر طالب طرز دید دقیق واقعیت اجتماعی است که البته نمیتواند، در بر گیرنده کلیه عناصر پروسه اجتماعی سیاسی باشد ولی به همه حال آزمون دشواری برای رشد اجتماعی است.

### چپ اندیشی باید علمی باشد.

برخورد انقلابی مردم را نباید دستخوش عملکردهای عجولانه ساخت، زیرا ممکن است این امر هنوز یک مطلب ساده عقیدتی باشد و یا یک آزمون زندگی منظم و شاید هم خود سر که بر پایه دلایل استوار نیست؛ برخورد باید در هر صورت آگاهانه باشد، به همانگونه که عملکردهای سیستم سرمایه داری غرض ممانعت فعالیتهای نیروهای تحول طلب آگاهانه راه اندازی می شوند.

یکی از عرصه های با اهمیت برخورد متقابل با سرمایه داری در ضرورت رسیدن دوباره به آن آرمانی است که رهگشای تأثیرات تعویضی پروسه های اجتماعی امروزی باشد. پروسه هائیکه امروز اکثراً متلاشی و غیر ساختاری تبارز میکنند، در میکرو ساختارهای لایتنهای انقسام یافته اند و هیچ گونه روابطی با همدیگر ندارند، همان تیره های جسته از کمان اندک به هدف نمی رسند، زیرا کارگری که امروز بیشتر از نیروی کارش هیچ مالکیت دیگری در اختیار ندارد، علل متعددی برای مقابله با همصفت خویش (که وی نیز تحت همان شرایط اجتماعی چون خودش زنده گی میکند) ارایه می دارد تا این که مالک قدرت اقتصادی را شناسایی نموده و علیه آن مبارزه کند.

هرگاهی به دریافت توضیح علمی برای واقعیت توصیف شده بالای دست نیابیم، هرگاهی ما پروسه هایی را که به بحران امروزی مدنی انجامیده است، مورد مطالعه قرار ندهیم (آنچه امروز در شعور و همچنان در برخورد انسانها نفوذ نموده است) هرگاهی از ساختارهای موجود سیاسی و اجتماعی - اقتصادی، که امروز برای مرحله پسینه سرمایه داری به سطح براننده تسلط رسیده اند، بهره مند نباشیم، در آن صورت نمی توانیم به طیف وسیعی از خواسته های اکثریت و یا ایجاد زمینه های درک شعوری انسانها دست یابیم. زمانی که روابط واقعی معدوم گردند، همانست که توضیحات منطقی نیز معدوم می گردند. هیچ چیزی برای ایدیولوژی بازار مفیدتر از این نیست. بازار به مثابه یگانه بازیکن وارد میدان شده و داور نیز پشتیبان وی است. مجادله ایدیولوژیها طالب طیف وسیعی از ایده ها است، ولی این ایده ها نمیتوانند از کدام ساختار خود ساخته زنده گی عاطفی تبارز گردند، بل، از احساسی تبارز می کنند که برگشت به پروسه های واقعی را - که منشأ آن در تخریب اجتماعی و عدم کارآیی مرحله پسینه سرمایه داری سراغ می شود و باید به افشای آن پرداخت و مضار کنونی و بعدی را که این سیستم برای کافه بشریت وسیله شده و یا وسیله می شوند، روشن ساخت - مطالبه میکنند. این ایده ها باید در اشکال عدیده فرهنگی تبلور یافته و بستری را برای عملکردها بسازند. دیدگاه علمی که مارکسیزم درباره سرمایه داری ارایه داشت، تا امروز هم بهترین دریچه بیست، تا بتوان انتقاد از سرمایه داری را دوباره از سر گرفت. اما نظر مارکس، یک نظر اجمالی بود و ←

سرمایه سالاری، علمی، اتنیک - اخلاقی، انقلابی، فعال و مبتکر و همچنان انترناسیونالیست می باشد. این مشخصه ها و خصوصیتها سزاوار آنست تا به توضیح گرفته شوند و من در سطور بعدی به آن خواهم پرداخت.

### چپ بودن به معنی موضع ضد سرمایه داریست.

چنان تصور می شود که هرگاهی صحبت از چپ باشد، صحبت از ضدیت با سرمایه داریست - ولی این امر عاری از سر در گمیهایی نیست. بناءً خلیها با اهمیت است تا تذکر دهیم که چپ بودن در همه احوال به معنی آن نیست که درکنه خویش معرف واضح ضدیت با سرمایه داری باشد. همه آنانیکه سرمایه داری نیولیبیرال را مردود می شمارند، همه آنانیکه خود را در برابر تسلط کنسرنهای فراملیتی قرار می دهند، دستبرد به ثروتهای مادی و بشری ملتهای کمتر انکشاف یافته را به وسیله ملتهای پیشرفته رد میکنند، همه آنانیکه در برابر جنگهای چپاولگرانه امپریالیستی مقابله میکنند، به شکلی از اشکال در ستون چپ قرار دارند. ولی چپ بودن در همه حال به معنی مخالفت با استثمار انسان به وسیله انسان، علیه خود پرستی و آنچه ایجادگر مالکیت خصوصی است، نیز می باشد و همچنان به معنی درک شعوری ایکه ضرورت از میان برداشتن بنیادی سیستم سرمایه داری را در پی دارد نیز است.

سرمایه داری اکنون بیشتر از ۵۰۰ سال است که به موجودیت خود ادامه می دهد. درین راستا این سیستم تجاری را به دست آورده است که چه گونه می تواند در

رفع بحران هایش، حتی اگر به ضرر طبیعت و مضار جسمانی و فزیک انسانها هم تمام شود عمل نماید؛ از میان برداشتن این سیستم یک ضرورت است ولی این عمل هیچگاه بدون دفاع متقابل امکان پذیر نیست. مواضع چپها و عملکردهای شان باید طور روشن و مدلل ضد سرمایه داری باشد. زیرا در غیر آن منجر به اتخاذ موضعی که در برخی موارد چپ نما ولی نه مؤید چپ بودن است می شود. یعنی چپ در برابر نیولیبیرالیسم ولی راست در مقایسه با چپ و مواضع واقعی ضد سرمایه داری با وجودیکه به نام مواضع مرکزیت موسوم باشد. تصویری در زمینه چپ قرار داشتن، که تعدادی از سیاستمداران (افرادیکه خودها را از دیدگاه اجتماعی سیاسی تثبیت موضع میکنند) عرصه اجتماعی وسیلتاً خود را چپ نام می گذارند ولی محتوای عملکرد شان همان انتی کپیتالیسم خلیها ناکافی است. بسیاریا خودشان را "میان رو" می پندارند، دسته یی هم "سوسیالیستهای دموکرات" ولی به همانگونه که لنین درین رابطه نوشت نباید جنبشهای سیاسی را نظر به گفته های شان، بل، نظر به عملکردهای شان به قضاوت گرفت و واقعیتهای موجود (عملکردشان) را معیار پر اهمیت برای آرمان واقعی شان تلقی کرد.

هرگاهی من هم الگوها را با تشریحات مماثل مورد استفاده قرار می دهم، در آن صورت به محتوا اتکا می کنم تا این که به نامها بچسبم. الگویی را که جنبشهای سیاسی و اجتماعی برای اشتها بیرونی شان اعلام می دارند، می تواند رهگشای مفاهمه بوده و کارآیی آن بیش و یا اندک باشد. ولی برای آنکه بتوان خصوصیات و ماهیت یک جنبش سیاسی را تحلیل کرد، باید دانست که این جنبش چه گونه در زمینه استثمار و تحقیر به وسیله واپسین مرحله سرمایه داری از خود عکس العمل نشان می دهد و با در نظر داشت ماهیت دزد منشائه آن برخورد سیاسی واقعی میکند، زیرا این امر تعیین کننده است و تعیین کننده باقی می ماند.

از جانب دیگر این مطلب را باید بار دیگر روشن سازیم که توضیح تعریفها به هیچ وجه به معنی سکتاریزم و دشمنی با اتحادها یا فقط آگاهی برای با اهمیت جلوه دادن سفارشا نبوده، بل، گواه بر آن دقتی است که هدف از آن افاده مغلق بودن این جنبش اجتماعی سیاسی، بافتهای درونی آن، کیفیت آن از دیدگاه اجتماعی

کارسازی خواهند شد. ولی طوریکه مارکس می گوید این مطالب تغییری را در ماهیت تاریخ به مثابه بخشی از پروسه طبیعت وارد نمی آورد «تاریخ در ذات خود بخش واقعی تاریخ طبیعت است: طبیعی که انسان محصول آنست. به همانگونه که علوم بشری در برگزیده علوم اجتماعی است، بناءً علوم بشری یگانه علم است».

این نبشته جای آن را ندارد تا تحلیل خلاق در مورد نظریات مارکس در رابطه با این موضوع ارایه گردد. ولی بلاخر بی مورد نخواهد بود هرگاهی چند سطر از این اثر را ارایه داریم که مارکس در توضیح رابطه میان تیوری و پراتیک و علوم و اخلاق ارایه داشته است. «مشروط برآنکه برای انسانهای سوسیالیست مجموع تاریخ نام نهاد جهانی چیز دیگری به جزء از باز تولید انسان از طریق کار انسانی، به جزء از آینده طبیعت برای انسانها نیست. چنین است دستیابی وی به ثبوت روشن و غیر قابل تردید تولد خودی اش به وسیله خودش در پروسه شدن. از آنجایی که موجودیت واقعی انسانها و طبیعت عملاً و نفساً قابل درک و قابل احساس است و از آنجائیکه انسان برای انسانها به صفت موجود طبیعی به میان آمده است و طبیعت برای انسانها به مثابه موجودیت انسان، بناءً ایده موجود بیگانه، موجودیکه بالاتر از طبیعت و انسانها قرار دارد، ایده یی است که بیانگر فقدان محتوای طبیعت و انسان بوده و در عمل غیرممکن است». با اطمینان که علمیت مارکس بستر خویش را در بخش یقین دارد؛ در منطق تاریخی که بر پایه آن انقلاب بلاخر جامعه را زبرور می کند، موصوف انقلاب را نتیجه غیر قابل انکار پیشرفت سرمایه داری می داند. در چنین پیوندی ممکن است قانون نفی در نفی مؤثر افتد.

بیرون از بحثهایی درباره علت و تصادف، ضرورت و ممکن، به نظر من دلایل آغازین مارکس که در نبشته ها انعکاس یافته اند، دارای اعتبار غیر قابل مشاجره است.

از آن زمانی که مارکس به مطالعه و تحلیل جامعه سرمایه داری پرداخت تا روزهای اخیر مسایل زیادی دچار تغییر گردیده اند. ولی جوهر (ماهیت) سرمایه داری از همان آغاز تا مرحله پسینه آن محفوظ است. مشخصات تعیین کننده آن به گونه پیشین عبارتند از: مالکیت خصوصی، استثمار فرد به وسیله فرد، خود خواهی، تسلط همگانی قانون منفعت اندوزی، اعمال خشونت اقتصادی و غیر اقتصادی و جنگ. استدلالهای چپها نمیتوانند امروز به گونه پیشینه ها خود سرانه، سطحی، مجهول و سحر آمیز باشد. سحر آمیزی ممکن چپها باید در قابلیت واقعی شان یعنی در تسخیر انسانها متباز گردد و آنها از طریق حقایقی که خود ارایه می دارند و پیروزیهایی که در جریان مبارزه به آن دست می یابد.

به بیان دیگر وحدت نظر و عمل یکی از عناصر بنیادی علم است. هرگاهی هدف تعویض جامعه سرمایه داری است، بایست وسایل و راه های رسیدن به آن را تدارک دید. با در نظر داشت شرایط مشخص تاریخی که در وجود فرهنگهای مختلفی که همراهی می شوند، بسیار متفاوت خواهند بود. در جریان مبارزه انقلابی کاملاً به جاست که نظریات افراد و گروهها با جهان بینیهای مختلف، برای رسیدن به اهداف رهائیبخش مطرح می گردند. این امر منتج به اتحاد استراتژیک در رابطه با اظهارات متعدد سیاسی میشود. در عین حال توضیحات مختلفی درباره جهان، تأثیرات تعویض اجتماعی، شیوه بیان کثیرالجوانب فرهنگی، تأثیرات و مناسبات میان کیفیت و تداوم متفاوت پدیده ها ارایه میشوند.

در این رابطه نمیتواند بخشهایی از کل - نظریه منافع و خواسته ها - به استفاده گرفته شوند. خصلت علمی دیدگاه مارکسیزم در رابطه با اجتماع نظر به ماهیت آن تعمیمی است. مارکس تضادهای اساسی جامعه سرمایه داری را کشف و برای انسانها راه کاملاً روشنی را برای تعویض مناسبات، بدسترس گذاشت.

از جانب دیگر علم نمیتواند از طریق کدام مناسبات دیگری، به غیر از رابطه میان انسان و طبیعت برخورد نماید. مارکس توضیح می دارد که علوم طبیعی «... جماد گرایشهای مادی اش را - و یا بهتر است، گرایشهای ایدیالیستی اش را از دست خواهد داد - و جای خود را به طور بنیادی برای علوم بشری، همانطوریکه قبلاً در بنیاد زنده گی واقعی انسانها دچار تعویض گردید، تعویض نماید. با وجودیکه اشکال و شیوه های آن متفاوت از همدیگر باشند».

مارکس این نظریات راهنگام تحلیل نقش علوم طبیعی به خاطر رشد صنایع در میان گذاشت. در واقعیت صنایع همانند تطبیق تاریخی رابطه میان انسان - طبیعت و علوم طبیعی که به وسیله صنایع خلق شد، هم چون لحظه پر اهمیتی در تغییر زنده گی انسانی، متظاهر شد. هرگاهی علم واقعیتگرا نبوده، با طبیعت و موجودیت رابطه و مؤثریت دایماً تعویضی آن با انسان - از دیدگاه فردی و یا هم گروه اجتماعی - اتکا نکند، چگونه ممکن است به انکشاف خویش ادامه دهد؟ طبیعت دوم همانا فرهنگ واقعی است که این فرهنگ را انسانها از زمانیکه به دنیا می آیند، طور عینی خود در مؤثریت تعویضی با طبیعت رشد می دهند و همین طبیعت دوم را همراهی میکنند. زیر بنا و وسیله علمی سیستماتیزه کردن و اندوختن دانش واقعی طبیعت است و طبیعت است که با مادی بودن خویش در جایگاه مشخصه ماهوی و تعیین کننده احراز موقف می نماید. از همین جاست که مارکس ادامه می دهد: «اساسی برای زنده گی و اساسی برای علم از مبدأ دروغین است».

پیچیده شدن روز افزون مسایل بشریت و جامعه انسانی در سراسر سیاره ما، رهایی نسبی از واقعیت و آنها هم همان واقعیتی که وی (انسان) دیده به جهان می گشاید است. محاسبه های جعلی با آنچه مفهوم و مشهود است، نیروی تخیلگرایی که می تواند به پیشداوریهای اشتباه آمیز بی انجامد و این نیرو در آن موضعی قرار دارد که بالای روان انسانها مسلط شده و واقعیت اجتماعی را در چنبره نفوذ خویش محصور سازد. اینها همان عرصه هایی اند که باید دانش علمی در آن تأثیرگذار شده و به هدف عملی خویش نایل آید.

مارکس در رابطه با علوم بشری و همچنان علوم اجتماعی می نویسد: «طبیعت که بیانگرتاریخ بشر است - به میان آمدن جامعه بشری - طبیعت حقیقی انسانهاست؛ ...» و از این مطلب چنین نتیجه می گیرد که علم زمانی علم حقیقی است که منشأ آن طبیعت باشد.

بنابراین آرمان انقلابی درباره جهان هرگاهی آگاهانه باشد و یا ادعای آن را داشته باشد باید علمی هم باشد. این آرمان بایستی جامعه را با چنان دلایل مأنوسی تشریح کند که برپایه واقعیتها قابلیت آن را داشته باشد تا خواسته های انسانها را متبازر ساخته و معقولیت عملی را وسیله گردد که این خودپایان تسلط سرمایه داری را ممکن می سازد.

هر گاهی موضوع را به گفته های پیشین ارتباط دهیم، بحث درباره پروسه های دانش علمی و عناصر ترکیبی آن به گونه دیگر است. این که اشکال و شیوه های ساختاری این دانش کدامها اند. کدام میتودها و شیوه ها برای به دست آمدن این دانش جمعی استفاده شده اند و از دیدگاه پیداگوژی

## اشتراک هیئت افغانی در

## سی و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

- ۱- راینر براوم Reiner Braunm (مسوول بخش آلمانی "انجمن جهانی مبارزه علیه سلاح هسته‌ی")
  - ۲- موری ها را کیمو توشی Morihara Kimitoshi (عضو هیئت اجرائیه و مسوول روابط بین المللی حزب کمونیست جاپان).
  - ۳- آناتولی سوکولیوک Anatolii Sokoliuk (مسوول روابط بین المللی حزب کمونیست اوکراین).
  - ۴- آندریاس گونتر Andreas Gunther (عضو شعبه سیاست بین المللی حزب چپ آلمان).
  - ۵- حسن نادری (مسوول شعبه روابط بین المللی فدائیان خلق ایران "اکثریت").
  - ۶- ماریزا ماتیا مارا Marisa Matias (مسوول شعبه بین المللی بلوک چپ پرتغال).
  - ۷- اوفر کاسیف Ofer Cassif (نماینده حزب کمونیست اسرائیل).
  - ۸- داکتر ماری ناسیف - دبس Dr. Marie Nssif - Debs (معاون منشی عمومی حزب کمونیست لبنان).
  - ۹- نظمی گور Nazmi Gur (از حزب صلح دموکراسی، عضو کمیته روابط خارجی پارلمان ترکیه).
  - ۱۰- سید عزیز پاشا (عضو هیئت اجرائیه حزب کمونیست هند و عضو پارلمان هند) و داسارادان B. Dassaradane (عضو کمیته بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست هند).
  - ۱۱- زانگ جیانگویی Zhang Jianguo (مدیر عمومی دفتر مسایل اروپا در شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین).
  - ۱۲- محمد شاهین (عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران).
  - ۱۳- رضا محسن الموسوی (منشی عمومی "جمعیت مبارزه برای دموکراسی بحرین")
- در جریان دیدارها از روند تشکیل ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و امیدواری که برای ایجاد یک حزب بزرگ دموکراتیک و ترقیخواه در افغانستان به وجود آمده است به دوستان بین المللی معلومات ارایه شد.
- در روز سوم، با خوانش لیست هیئتهای بین المللی، اشتراک کننده گان به پا خاسته با کف زدن و زمزمه کردن سرود انترناسیونال از جنبش مترقی جهانی، استقبال کردند. گرمای فضای تالار، روحیه انترناسیونالیسم را در فردیت انقلابی کمونیستهای فرانسه بازتاب می داد.
- در روز چهارم کنگره، لیست "شورای ملی" (معادل کمیته مرکزی) تحت رهبری پی یر لوران (Pierre Laurent) از سوی کمیسیون برگزاری کنگره در توافق با هیئت اجرائیه قبلی به کنگره پیشنهاد شد که با اکثریت آراء ۶۲۴ رأی موافق (از ۷۶۶ نماینده) انتخاب گردید. همچنان کنگره نشان داس و چکش را از کارت عضویت حزب، برداشت؛ نکته پی که به وسیله رسانه های راستی در برنامه های خبری برجسته گردیده بود. در این رابطه، «پی یر لوران» منشی ملی (سراسری) در سخنرانی اختتامیه خود نخستین شماره های روزنامه هومانیه را به شرکت کننده گان نشان داد: در شماره اول، هنگامی که حزب کمونیست بنیاد گذاشته شد، نشان داس و چکش بر پیشانی روزنامه وجود نداشت.
- در شماره سال ۱۹۲۴ که مرگ لنین را اعلام کرد نیز، داس و چکش به حیث سمبول در روزنامه هومانیه وجود نداشت. نشان نامبرده در سال ۱۹۲۵ پدیدار گردید و «پی یر لوران» با زبان ایمایی اش گفت: «باید مرگ لنین فرا می رسید تا نشان داس و چکش در هومانیه پیدا می شد!» (اشاره به آغاز دوره دکماتیزم استالینی)
- کنگره با آوردن تعدیلات بی شمار در جریان ۴ روز، مرامنامه جدید و اساسنامه جدید حزب را تصویب کرد و شعار "کمونیسم نسل نوین" را به حیث شعار دوران جدید زنده گی حزب - حزبی که سده بیست و یکم را، سده فرا گذاشت از سرمایه داری خواند - پیش کشید.
- کار کنگره به روز ۱۰ فبروری در فضای پر شور رفیقانه و با تعهد برای به پیروزی رساندن اهداف حزب پایان یافت.

- ۳۶ مین کنگره حزب کمونیست فرانسه به روزهای ۷-۱۰ فبروری ۲۰۱۳ در پاریس برگزار گردید. ۸۰۰ نماینده از فدراسیونهای حزب در کار کنگره شرکت ورزیدند.
- بیش از صد نماینده از احزاب کمونیستی و مترقی جهان به کنگره دعوت شده بودند که خود یک رویداد بی سابقه در زنده گی حزب کمونیست فرانسه به شمار می رود.
- عبدالله نایبی رئیس نهضت آینده افغانستان و رئیس فعلی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و ظهور رزمجو، معاون حزب پیوند ملی و نماینده ائتلاف به نماینده گی از نیروهای مترقی افغانستان در کار کنگره شرکت کردند.
- طرح مرامنامه جدید که از پی ۴ ماه بحث در سازمانها و ارگانهای نشراتی حزب تدوین یافته بود، به نماینده گان پیش کش شد. طرح مرامنامه این مصراع «گیوم پولینر» Guillaume Apollinaire، شاعر شهیر فرانسه را در آغاز خود داشت: "زمان آن فرا رسیده است تا ستاره گان را دوباره روشن سازیم . . ." چهار روز کار پُرشور و سخنرانیهای نوید بخش نماینده گان و مهمانان گواهی می دادند که صفحه جدیدی در زنده گی حزب کمونیست فرانسه دارد باز می شود. طرح مرامنامه عنوان تازه پی را که یادآور سند بنیادی و آغازین جنبش جهانی کارگری است، بر پیشانی داشت: "هومانیفست حزب کمونیست فرانسه در سپیده دمان سده پی که در راه است." با افزوده شدن پیشوند «هو» بر «مانیفست» محتوای کاملاً انسانی آرمانهای حزب تبلور یافته است.
- دیباچه "هومانیفست" چنین آغاز می شود:
- "ما می خواهیم جهان را دگرگون سازیم، امری که نمی شود آن را به فردا انداخت . . . گزینش بنیادی در برابر ما قرار دارد: یا سراسیمی مسابقه وحشیانه برای سود را دنبال کنیم یا راه اشتراک ثروت. دموکراسی و بشریت را در پیش گیریم. ما به راستی چی نوع بشری می خواهیم باشیم؟"
- حزب ما، حزب رهایی بشر، حزب شگوفایی فردیت هر انسان و حزب تثبیت حق خوشبختی است . . . سرمایه داری به مرحله بی سابقه پی از بحران خود رسیده است. سده بیست و یکم می تواند مرحله فراگذشتن از سرمایه داری باشد. مبارزه عظیمیست ولی ما برآنیم که می شود آن را به پیروزی رساند. ما کمونیستهای فرانسه، مردم خود، مردمان اروپا و جهان را فرا می خوانیم. آیا نوشتن بقیه تاریخ را همچنان به دست آنانی وا می گذاریم که ما را به این فاجعه کشانده اند. . . نگذاریم که بر سرنوشت ما بدون شرکت ما تصمیم بگیرند. متحدانه، تصمیم گیرنده گان و فعالان آینده بشر گردیم!"
- چهار روز کار کنگره به بحث روی طرحهای مرامنامه و اساسنامه حزب اختصاص یافت. بحث در چنان فضایی دموکراتیک و همراه با صمیمیت رفیقانه جریان یافت که نمایانگر سطح عالی فرهنگ سیاسی و سازمانی کمونیستهای فرانسه بود؛ کمونیستهایی که تاریخ ۹۳ ساله حزب شان مایه افتخار مردم فرانسه و اروپا ارزیابی می کردند.
- عبدالله نایبی و ظهور رزمجو به نماینده گی از جنبش دادخواه افغانستان در جریان چهار روز کار کنگره با نماینده گان احزاب و سازمانهای زیر ملاقات کرده، اوضاع فاجعه بار افغانستان امروز را توضیح داده، مسوولیت ناتو و امریکا را در شکل گیری آن نشان دادند:
- ۱۴- بوی تی جیانگ Bui The Giang (رئیس شعبه اروپای باختری و امریکای شمالی در کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام).
  - ۱۵- مانولا برناردینو Manuela Bernardino (مسوول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست پرتغال).
  - ۱۶- جان فوستر John Foster (مسوول روابط بین المللی حزب کمونیست انگلستان).
  - ۱۷- مایتا مولا Maite Mola (معاون رئیس حزب چپ اروپا "متشکل از ۱۸ حزب چپ اروپا").
  - ۱۸- داکتر عاصم کردی (مسوول روابط ارپایی حزب الشعب فلسطین).

**باقیمانده صفحه اول فراخوان احزاب و سازمانهای مشمول ...**

با استفاده از امکان تاریخی به وجود آمده، با این وسایل عظیم مالی و حمایت گسترده بین المللی بی مانند در تاریخ کشور، امروز حداقل زمینه های عینی مادی برای سوق جامعه افغانی به سوی توسعه و انکشاف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به وجود می آمد. همزمان گرمی!

ما با درک و تحلیل روندها، رویدادها و حرکتیهای جاری درون وضعیت سیاسی کشور، بدون تردید اعلام می داریم که: ناقوس سقوط حاکمیت "مافیایی"، در کشور به صدا در آمده است و مضمکته این حاکمیت به پایان خواهد رسید. ولی ما نباید این نکته را فراموش کنیم که این امریکا - ناتو و متحدین جهانی و منطقه یی آنها بودند که به شبکه های "مافیایی" و "دزدان قافله" اجازه دادند تا مدت ۱۲ سال تمام، نمایش تراژیک را با شعارهای "دموکراسی"، "بازسازی؛ و توسعه"، "آزادی"، "دفاع از حقوق زن؛" و "استقرار صلح، امنیت و ثبات!" بازی کنند.

داوری ما در باره ناروا بودن حاکمیت جاری و سرشت غاصبانه و عقبگرایانه نیروهای متشکله پایه یی آن بر حق بود، ما می گفتیم که "مبارزه علیه تروریسم، شبکه های القاعده، بنیادگرایی و ناقضین حقوق بشر، از سوی امریکا - ناتو" در کنار حاکمان موجود، ممکن است به عوض کنار زدن آنها از پهنه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، به قوت گرفتن و قانونمند ساختن آنها به عنوانهای دیگر تبدیل گردد". این گفتار ما درست از آب درآمد.

چشم انداز تاریکیها از همین اکنون نمایان است. چنانکه از وضعیت بر می آید، با انتقال کامل و عجلوانه مسوولیتهای امنیتی به قوای مسلح موجود افغانستان و خروج نیروهای نظامی ناتو، در سال ۲۰۱۴، وضعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیچیده تر خواهد شد، و شرایط دشوارتر و پرتنش تری برای استقرار صلح، امنیت و ثبات سیاسی در منطقه به وجود خواهد آمد و کشور به سوی انحطاط کامل سوق خواهد گردید و ممکن جنگهای داخلی (میان شاخه های ارتجاع قومی - مذهبی) بر کشور تحمیل گردند.

کنون مردم می پرسند که آیا حاکمیت موجود و قوای مسلح فعلی توان و ظرفیت سیاسی و نظامی دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال و دفاع از نوامیس ملی را خواهند داشت؟ آیا دولت‌های همسایه و برخی از کشورهای عربی، با بهره گیری از وضعیت جدید ناشی از خروج ناتو، به تشدید مداخلات شان در راستای گسترش و حفظ ساحت نفوذ شان در افغانستان نخواهند پرداخت؟ آیا بار دیگر ارتجاع بنیادگرا طالبی و شبکه های قرون وسطایی، به سرنوشت مردم مسلط نخواهند شد؟

وضعیت جاری به حق نگرانیهایی وسیع مردم و نیروهای ترقیخواه جامعه افغانی را بر انگیخته است. نباید گذاشت که نیروهای آزیخواه و عدالت پسند ما، به تحلیل رفته و با نا امیدی صحنه سیاسی کشور را به ارتجاع بنیادگرا و حامیان خارجی آنها واگذار کنند. باید با صراحت گفت که در برابر چنین وضعیت تاریک و پر از ابهام، نیروهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان حق ندارند سکوت نمایند و فرارسیدن فاجعه را روز شماری و نظارت کنند. تاریخ در برابر کسانی که سکوت را نسبت به ورود در پهنه سیاست کشور، در این برهه، ترجیح می دهند یقیناً قضاوت خود را انجام خواهد داد.

ما بر آنیم که بحران عمیق و فزاینده جاری، خود زمینه یی است که امکان فعالیت سیاسی را در جامعه، فراهم می سازد. مبارزه سیاسی نیروهای مختلف به ویژه میان جناحهای شریک در قدرت و شاخه هایی از اپوزیسیون دولت، **ضرورت حضور احزاب و سازمان های دموکرات و ترقیخواه را به طور مستقل یا ائتلافی در پهنه سیاسی کشور متبازر گردانیده است.**

ما اعضای "ائتلاف" همه به این امر توافق داریم که در مقطع کنونی، مردم افغانستان به یک نهاد بزرگ سیاسی ترقیخواه و تحول طلب نیاز دارد تا بتواند از طریق آن خواستهها، مطالبات و ارده عدالت خواهانه خود را از مجرای سیاسی با اتکا به ارزشهای دموکراتیک قوانین نافذ کشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صورت مسالمت آمیز تبارز دهند.

رفقا و دوستان گرمی! شما دریافته اید که با رسمیت یافتن "ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان" از مارچ ۲۰۱۱ بدین سو، از بطن بحران

فاجعه بار جاری، زمره آرام وحدت و اتحاد نیروهای دموکرات، ترقیخواه و تحول طلب افغانی دارد به یک صدای رسا و به یک فریاد بزرگ دادخواهی تبدیل می گردد. از هر سو مبارزان دادخواه و فعالان سیاسی مترقی و متعهد، از تمام احزاب و نهادهای دموکرات، تحول طلب و ترقیخواه ملی جامعه افغانی، تقاضا دارند تا برای بیرون رفت از وضعیت تکان دهنده و فاجعه بار کنونی تمام نیرو، ابتکار و امکانات شان را در جهت ایجاد یک سازمان بزرگ سیاسی برای خدمتگزاری به خلقهای مظلوم افغانستان، به کار گیرند.

کنون که به همت، اراده، شجاعت و گذشت اصولی، تعدادی از نهادهای ترقیخواه، روزنه یی برای به سر رسانیدن این تقاضای برحق، باز گردیده است بار دیگر از نام این "گردهمایی"، از کلیه نهادهای، حلقات، گروهها و شخصیتهای غیر متشکل دموکرات و ترقیخواه متعلق به جنبش دموکراتیک و ترقیخواه کشور، دعوت به عمل می آوریم تا به حیث وجدانهای جمعی بیدار و نهادهای با تجربه و با اعتبار وطن، به ندای زحمت کشان وطن سوخته مان، پاسخ مثبت دهند و اراده های جمعی شان را با نیرو و ابتکار شان در راستای حمایت و تقویت ائتلاف، تکوین یک حزب بزرگ مستقل و اساسگذاری نخستین کنگره آن گره زنند.

ما کاملاً واقفیم که وحدت مکمل سازمانی، یک مبارزه طولانیست و نمی شود سایه افتراق بیست سال جدایی و پراکنده گی را در یک روز و یک باره و یا با چند نشست از فراز جنبش دور ساخت ولی با مواضع روشن اندیشه یی - سیاسی و پیش کشیدن اصول واقعاً دموکراتیک و تبارز اراده صادقانه به امر وحدت، می شود روند آن را بیش از پیش سرعت بخشید و شتابان ساخت.

نیاید به بهانه "انتظار به حکم محکمه تاریخ در مورد جفا کاران جنبش ترقیخواهانه دیروز" و "تصفیه حساب گذشته" موانع در برابر فرآیند وحدت و اتحاد ترقیخواهان افغانستان که دیگر راه افتاده است ایجاد کرد.

شرایط ویژه جاری از همه رهبران جنبش دموکراتیک و ترقیخواه افغانستان، همبسته گی، یکپارچه گی، روشنیبینی، درایت، فروتنی، صداقت و گذشت اصولی می خواهد، ما برآنیم که چنین صفاتی مردمی، در اغلب نهادها و رهبران این جنبش وجود دارد، و ما می توانیم به انتظار مردم در بند و رنج کشیده خویش پاسخ مثبت و به موقع بدهیم. رفقا و دوستان گرمی!

آن چنانکه در فراخوان "ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان" عنوانی سازمانهای دموکراتیک و مترقی افغانستان بازتاب یافته است. پراکنده گی حرکت مترقی و مردمی باید به سر برسد. آنگونه که از اسناد مرامی سازمانها، گروه ها و محافل دموکراتیک افغانی برمیآید، همسویی و توافق در خطوط کلی و بنیادی آنها کاملاً آشکار است. اختلاف و تفاوتها به پیمانیه یی نیستند که مانع اشتراک در یک نهاد وسیع - بر بنیاد یک سند واحد مرامی برای پاسخ دادن به وضعیت اسفبار کنونی گردد. از دیدگاه ما پلاتفورم ائتلاف ما، به قدر کافی باز و فراگیر است تا سازمانها و گروه های متعلق به خانواده سیاسی دموکراتیک و مترقی خود را در آن بیابند.

رفقای عزیز! همسنگران روزهای دشوار مبارزه! ما اشتراک کننده گان این گرد همایی، با چنین برداشت از وضع کنونی کشور، بر پایه وظایف مبرمی که جنبش مترقی جامعه افغانی در برابر ما قرار داده است، تأکیداً صمیمانه و رفیقانه از شما دعوت میکنیم تا در گفتگو را با "سازمان خارج کشور ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان" باز کنید تا باشد به رفع سوء تفاهات و حل مشکلات و کنار گذاشتن اختلافات فرعی بپردازیم. ما برآنیم که آغاز فعالیت ائتلاف زمینه ها و بنیادهایی را به وجود آورده است، که برپایه آن، رهبران جنبش مترقی می توانند با هم هر چه زود تر نزدیک گردند.

ما از شما میطلبیم تا به این فراخوان ما پاسخ مثبت دهید تا باشد با روحیه سازنده گی به خاطر منافع تهدیدستان افغانستان و به خاطر پایان دادن به رنجهای بیکران خلقهای افغانستان، دور جدید مذاکرات را به هدف گسترش و حمایت همه جانبه از این ائتلاف آغاز کنیم. پیروز باد داعیه رهروان راه حقیقت و انسانیت.

گسترده تر باد ائتلاف ترقیخواهان عدالتخواه افغانستان،

به پیش در راه پایان دادن به رنجهای بیکران خلقهای افغانستان.

## باقیمانده صفحه اول

## گزارش سه ماهه فعالیت‌های احزاب و ...

با این اقدامات یک بار دیگر نشان داده می شود که ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه، متعلق به مردم افغانستان و نماینده گان راستین سیاسی آن است و با شفافیت در برابر دید جنبش داد خواه کشور، روند انکشاف و فراز جویی خود را می پیماید. ما این شیوه را به خاطر آن برگزیده ایم که همسویی و وحدت نیروهای مترقی و دموکراتیک افغانستان را یک الزام تاریخی می پنداریم تا باشد چنان امکانهای سیاسی را فراهم سازیم که بدیلی برای وضع فاجعه بار کنونی باشند.

شما واقفید که امروز ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان به امیدگاه جنبش دادخواه کشور مبدل گردیده است و می تواند به حیث کانون تجمع کُل جنبش، وظایف تاریخی خود را به سر رساند. فعالیت‌های سه ماه گذشته آن گواه بر این است که با وجود دشواریهای فراوان ناشی از وضعیت پیچیده سیاسی - اجتماعی کشور که در آستانه خروج کامل قوای ناتو به وجود آمده است، مبارزان ترقیخواه سرزمین ما با احساس مسوولیت بیشتر در قبال سرنوشت زادگاه و مردم شان، به پیوستن به یک نهاد سیاسی مدافع مردم، علاقه مند شده اند. این گرایش مثبت، ما را به پیروزی اهداف شریفانه‌ی که در پلتفورم سیاسی ائتلاف تصریح شده اند، باورمند تر می سازد.

دوستان گرامی،

اینک به گزارش جنبه های بارز فعالیت‌های ائتلاف در سه ماه گذشته می پردازم:

## ۱- در عرصه سیاسی و تماس با سازمانها و نهادها:

کمیته خارج کشور ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان متشکل از رفقا نصیر احمد صدیقی، داکتر طلا پامیر، زبیر شیر زاد از حزب مردم، احمد ضیا سپهر صدیقی، دکتور بسم اله شیوامل، زبیر غازی زوی از نهضت آینده، جنرال گلاب فیضی و چمن اصغری از حزب پیوند ملی، شهزاده بارز از حزب تفاهم و دموکراسی، استاد کریم شاه از حزب آزاده گان، جلسات منظم خود را مطابق پلان و در صورت ضرورت به طور فوق العاده دایر کرده است. پلتفورم و اسناد ائتلاف و فیصله های هیئت ریسه ائتلاف را در مطبوعات حزبی اعضای مشمول ائتلاف، چون سایتهای حقیقت، آینده، بامداد، وطندار، مشعل و صفحه های فیسبوکی به نشر رسانیده است. پرسشنامه هیات ریسه ائتلاف در اختیار تمام اعضای احزاب مشمول ائتلاف، احزاب و حلقات همسو و برخی از شخصیت‌های نامتشنکل سیاسی قرار داده شده تا نظریات آنها جمع آوری و توحید گردد. کار در جهت راه اندازی سیمینار تحقیقی "شناخت حزب" جریان دارد، موضوعات قابل بحث مشخص شده و با شماری از اساتید تماس برقرار گردیده است. گردهمایی نماینده گان احزاب، سازمانها، حلقات، نهاد های جامعه مدنی و شخصیت‌های نامتشنکل سیاسی مقیم خارج کشور به ابتکار کمیته سراسری ائتلاف در خارج کشور به تاریخ ۲۳ ماه مارچ ۲۰۱۳ میلادی در شهر کسل آلمان موفقانه برگزار گردید. در این گردهمایی تاریخی گرایش به سوی ایجاد یک حزب بزرگ متعلق به دنیای کار کاملاً مسلط بود. همه شرکت کننده گان به شمول نماینده گان احزابی که تا کنون عضویت ائتلاف را ندارند خواهان تسریع پروسه وحدت شدند و از ابتکار ائتلاف حمایت کردند. شخصیتها و فعالان سیاسی نیز روی شکل گیری یک نهاد واحد مترقی سیاسی تکیه کردند. در گردهمایی رئیس دوره یی ائتلاف سخنرانی مفصلی در رابطه به ضرورت ائتلاف در شرایط کنونی و اكمال روند آن به سوی اساسگذاری حزب سراسری دادخواه ارایه کرد که وسیعاً در مطبوعات برونمرزی بازتاب یافت. به همینگونه کاوه کارمل رئیس شورای اروپایی حزب مردم افغانستان سخنرانی با اهمیتی در

در رابطه با جایگاه ائتلاف به حیث یگانه امکان تاریخی برای برون کشیدن جنبش مترقی از وضعیت نابسامان کنونی ایراد کرد. کمیته سراسری خارج کشور ائتلاف، با در نظر داشت وضعیت عینی نیروهای ترقیخواه و تحول طلب افغانی در خارج کشور، تلاش نموده تا به هدف گسترش بیشتر طیف ائتلاف، زمینه های گفتگو را با ترقیخواهان و تحول طلبان جامعه افغانی در خارج کشور فراهم سازد، اهداف و مواضع سیاسی ائتلاف را به آنها توضیح بدارد و باب مذاکره را با آنها باز نماید. به سلسله همین تلاشها در نشست که از سوی تعدادی از فعالین سیاسی به تاریخ ۳۰ مارچ ۲۰۱۳، تحت عنوان "کنفرانس کمیسیون تفاهم و وحدت نیروهای دموکرات ...". در کشور هالند برگزار گردیده، نماینده سازمان خارج کشور ائتلاف، پیام آن کمیته را به آن نشست ارایه و مواضع و اهداف ائتلاف را به آنها توضیح نمود.

هیئت ریسه ائتلاف با در نظر داشت وضعیت عینی جنبش در خارج کشور که از مهاجرت‌های ناگزیر سیاسی بر میخیزد، به منظور فراهم آوری زمینه سهمگیری عملی شخصیتها و فعالان سیاسی غیرسازمانی متعلق به جنبش دموکراتیک که در خارج زنده گی می کنند تصمیم گرفت تا گروه های حداقل صد نفری آنان را به حیث اعضای دسته جمعی ائتلاف بپذیرد و نماینده گان آنها را در ارگانهای رهبری ائتلاف، به شمول هیئت ریسه ائتلاف راه دهد.

حزب آزاده گان افغانستان که در اجلاس پیشین به حیث عضو دسته جمعی پذیرفته شد، به طور پیوسته و سازنده در فعالیت‌های ائتلاف شرکت کرده است.

بنا بر فیصله هیئت ریسه ائتلاف چند گفتگو و تبادل نظر با نهادهای سیاسی مشمول وضعیت سیاسی کشور از جمله دو دور گفتگو با سخنگوی جبهه ملی و ملاقاتی با آقای حنیف اتمر یکی از مسوولان حزب حق و عدالت صورت گرفت. در جریان این دیدارها تبادل نظر دوستانه انجام شد و اصول موضعگیری ائتلاف در رابطه با وضعیت سیاسی کشور، انتخابات آینده و روابط خارجی کشور پس از خروج قوای ناتو توضیح داده شد.

هیئت ریسه ائتلاف این دیدارها را سودمند ارزیابی کرده، بر اصل حفظ استقلال سیاسی و سازمانی ائتلاف تأکید ورزیده، شرکت در اقدامات سیاسی بعدی را صرف بر مبنای منافع مردم افغانستان و پیشروی به سوی اهداف مندرج در پلتفورم سیاسی ائتلاف، جایز شمرد.

جلسه تبادل نظر رئیس دورانی ائتلاف با هیئت حزب دموکرات‌های آزادیخواه افغانستان تحت رهبری آقای عیسی اسحق زی بنا به درخواست این حزب صورت گرفت. در این جلسه دیدگاه های هر دو طرف مطرح گردید، به پرسشهای نماینده گان آن حزب پاسخ داده شد که در نتیجه، با رفع ابهامات، همسویی کامل آن حزب با آماج ائتلاف روشن گردید و فیصله به عمل آمد تا در آینده نزدیک، پس از جمع آوری نظریات اعضای آن حزب، پیوستن آن به ائتلاف مطرح گردد.

در جریان صحبتی که محترم ظهور رزمجو با داکتر بشرمل و داکتر کیوان از حزب فعالین صلح افغانستان داشت، علاقه مندی جدی آنان به پیوستن به ائتلاف ارایه گردید. ما منتظر اقدام عملی آن دوستان در جهت همراهی با ائتلاف می باشیم.

ظهور رزمجو در جریان سفر یکماهه اش به اروپا با تعداد زیادی ←

توضیحات مفصل ارایه کرد. سپس محترم پوهاند داکتر محمد داود راوش، رئیس حزب مردم افغانستان و عضو هیئت رئیسه ائتلاف مسایل محوری قابل بحث در جلسه را به توجه ی اعضای مجلس رسانیده افزود، یکپارچه گی وانسجام جنبش دموکراتیک، از وظایف مبرم و تاخیر ناپذیر است که تاریخ در برابر ما قرار داده است. در ادامه جلسه، محترم عبدالجبار پیکان، محترم خلیل رومان، محترم عبدالغنی رهپور، محترم شعیب رزمجو، محترم احمدالله کشتمان، محترم عباس دهاتی، محترم محمد اسلم مجددی و محترم محمد قاسم احساس، ضمن ابراز خرسندی از فعالیتهای انجام شده در راستای تعمیق روند همسویی میان احزاب وسازمانهای مشمول ائتلاف، بر ضرورت تداوم تلاشها در جهت انسجام همه نیروهای دموکرات و ترقیخواه، تاکید کردند ونظریات وپیشنهاد های مشخص شانرا مطرح کردند.

به تاریخ ۲۴ حوت نشست بحث و تبادل نظر میان فعالان حزب مردم افغانستان و شورای تفاهم برای وحدت نیروهای دموکرات، ترقیخواه و طرفدار عدالت در دفتر مرکزی ائتلاف برگزار شد. در آغاز دوکتور خان میر غیور مسوول شورای تفاهم اظهار داشت تا همه رفقا باید در فضای صمیمانه و خود مانی نظریات، دیدگاه ها و پیشنهادهای شانرا به صورت صریح و بدون هر گونه تعارف در باره آنچه تا کنون در راستای همسویی رهروان جنبش دموکراتیک انجام شده است و هم چنان در باره چالش ها و دشواری های فراراه یکپارچه گی همه نیروهای مترقی و تحول طلب در یک حزب بزرگ سراسری و چه گونه دستیابی به این آرمان بزرگ و تاریخی، ابراز کنند. سپس پوهاند دوکتور محمد داوود راوش، رئیس حزب مردم افغانستان با تایید سخنان داکتر غیور از فعالیتهای انجام شده از سوی هیئت رئیسه ائتلاف در راستای رفع چالشها، موانع و دشواریها برای احیای دوباره فضای اعتماد، باور و صمیمیت متقابل میان گروهها و جزایر پراکنده بازمانده از جنبش متشکل ترقیخواه دیروز، معلومات ارایه کرد.

به همین گونه اشتراک کننده گان نشست هر یک آقایان عباس خروشان، شمشیر نریوال، استاد محمد اعظم، میراحمد احمدی، داوود وبار، سیدعمر میر، فضل جان جهش، استاد مزمل، استاد شاه ولی و سلیمان کامجو به ترتیب صحبت نموده ضمن تاکید بر ضرورت ایجاد همسویی بیشتر و اجتناب از سلیقه های جناحی و فرکسیون گشته، نگرانیهای شان را از تاخیر پروسه ایجاد یکپارچه گی کامل جنبش ابراز کردند.

در پایان نشست دستگیر هژبر سخنگوی ائتلاف، ضمن جمع بندی نظریات و پیشنهادهای ارایه شده، برگزاری چنین جلسات را به سود همگرایی بیشتر میان فعالان جنبش خواند.

### ۳- در عرصه روابط بین المللی،

بنا به دعوت رهبری حزب کمونیست فرانسه، عبدالله نایبی رئیس نهضت آینده افغانستان و رئیس دورانی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و ظهور رزمجو، معاون حزب پیوند ملی و نماینده ائتلاف به نماینده گی از نیروهای مترقی افغانستان در کار ۳۶ مین کنگره حزب کمونیست فرانسه که به روزهای ۷ - ۱۰ فروری ۲۰۱۳ در پاریس برگزار گردید شرکت کردند. ۸۰۰ نماینده از فدراسیونهای حزب در کار کنگره شرکت ورزیدند. بیش از صد نماینده از احزاب کمونیستی و مترقی جهان به کنگره دعوت شده بودند که خود یک رویداد بی سابقه در زنده گی حزب کمونیست فرانسه به شمار می رود. هیئت افغانی به نماینده گی از جنبش دادخواه افغانستان در جریان چهار روز کار کنگره با نماینده گان ۱۸ حزب ملاقات کرده، ←

از فعالان جنبش دموکراتیک، در نشستهای انفرادی و دسته جمعی، ملاقاتهایی داشت که طی آنها ضرورت ائتلاف را وسیعاً توضیح داده، آن را یگانه راه برونرفت از وضع کنونی، ارزیابی کرد.

دیدارها و گفت و گوها با رفقای حزب ملی ترقی افغانستان، کماکان ادامه دارد. در ملاقات مفصلی که بین داکتر پوهاند داود راوش و محترمان رشید آرین، عبدالحی مالک و آصف بکتاش صورت گرفت، یک بار دیگر موضوع پیوستن آن حزب به ائتلاف مورد بحث قرار گرفت. با تأسف تا کنون برخی دشواریها که ناشی از ناسازگاری در نحوه برخورد انفرادی اند تا ناشی از یک اختلاف جدی اندیشه یی یا سیاسی، مرفوع نگردیده اند. ما یقین داریم که بالاخر بر این دشواریها فایق خواهیم آمد.

رئیس دوره یی ائتلاف با آنعده ار رفقای ارجمند که خواهان حزب وطن اند، صحبتهای مفصل انجام داد. در این صحبتها نی تنها بر ضرورت حضور یک نیروی بزرگ سیاسی در خط دفاع از منافع مردم، تکیه صورت گرفت، بل، همسانی در عرصه های اندیشه یی، استراتژیک و برنامه یی ملاحظه گردید. نکته مورد اختلاف پافشاری آن رفقا بر ضرورت دعوت کنگره حزب وطن یا تجمع زیر عنوان حزب وطن بود که یگانه مرجع برای تصمیم گیری پنداشته می شود. رئیس دوره یی خاطر نشان ساخت که با در نظر داشت وضع کنونی جنبش و نبود کدام گرایش مسلط برای احیای حزب وطن - که خود مرحله تاکتیکی تحول ح. د. خ. ا در شرایط خروج قوای شوروی از کشور بود - ائتلاف یگانه وسیله عملی برای رسیدن به یک حزب مترقی است.

گروهی از فعالان مترقی وابسته به جنبش چپ دیروز کشور در تلاش یک نهاد سیاسی جدید اند. رئیس دوره یی با مسوول مؤقت این تجمع مفصلاً صحبت داشت. در این ملاقات علاقه مندی جدی آنها برای پیوستن به ائتلاف ملاحظه گردید که پس از اساسگذاری نهاد شان، پیشنهاد پیوستن خود را به ائتلاف ارایه خواهند کرد. (بنابر ملحوظاتی از ذکر نامها صرف نظر می شود)

رئیس دوره یی با یک تن از فعالان برخاسته از حرکت دموکراسی نوین که در غرب کشور زنده گی میکند، صحبت داشت. وی با حمایت از روند همسویی نیروهای مترقی در وجود ائتلاف، خاطر نشان ساخت که مصروف متشکل ساختن گروهی از کادرهای متعلق به آن حرکت است و در آینده نزدیک، تماس رسمی با ائتلاف برقرار می سازد.

### ۲- در رابطه با حزب جدید سراسری،

هیئت رئیسه ائتلاف در جلسات منظم خود، مسایل مربوط به حزب سراسری جدید را که هدف بنیادی ائتلاف است، پیوسته مورد بررسی قرار داده است. فورمه نظر خواهی به اعضای سازمانهای عضو فرستاده شده است و جمع آوری نظریات ادامه دارد.

مطابق فیصله هیئت رئیسه ائتلاف و یک برنامه مشخص، ملاقات و تبادل نظر بین فعالان نهادهای مشمول ائتلاف آغاز گردید:

نخستین مجلس با اشتراک اعضا و فعالان حزب مردم افغانستان و کمسیون انسجام حزب وطن و کلیه نیروهای وطن دوست، ۱۴ حوت در دفتر مرکزی ائتلاف تدویر گردید. در آغاز محترم عبدالرازق اسمر، عضو هیئت ریشه یی ائتلاف طی صحبت مبسوطی، پیرامون تدابیر هیئت رئیسه ائتلاف در راستای ایجاد حزب واحد سراسری،

می دهد، از شعارهای سیاسی و برنامه یی نا به هنگام که در تاریخیت کنونی ما نمی گنجند، صرف نظر می کند و خود را برای وظایف سنگین آینده آماده و عیار می سازد. بایسته دانستم تا روی این جنبه دستاوردهای ما که کاملاً کیفی است و در چندی گزارش اقدامات نمی توانست بیاید، تکیه نمایم. ما عملاً نشان دادیم که دشمنیها و اختلافات دیروز را کنار می گذاریم و منافع خلق افغانستان را فراتر از هرگونه جایگاه فردی قرار می دهیم، با صداقت و صمیمیت، ولی با قطعیت، از مواضع به دست آمده دفاع می کنیم. با این تأکید، مسوولیت ریاست دوره یی ائتلاف را به دوست و همزمز دانشورم پوهاند داکتر راوش رئیس حزب مردم افغانستان می دهم، برایش پیروزی و حوصله مندی فراخ می خواهم.

- به امید بهروزی انسان زحمتکش!

- پیروز باد داعیه برحق مردم افغانستان!

#### باقیمانده صفحه ۷ نگاهی کوتاهی در مورد چرخشهای ...

ساخت و به هیئت اجتماعی متعلق کرد و از طریق وضع مالیات بر اراضی درآمد آنها را ضبط کرد.

#### ۳- محدود کردن حقوق وراثت،

به عقیده «استوارت میل» عدالت حکم می کند که انسان از آغاز حیات به طور مساوی از مواهب طبیعت برخوردار باشد و هرکس با امکانات مساوی به تلاش زنده گی بپردازد و با امکاناتی که خود به دست می آورد در صحنه رقابت زنده گی شخصیت خود را پرورش دهد. بنابر این به نظر «جان میل»، حق الارث منافی اصالت فرد است و عدم برخورداری از مساوات در ابتدای ولادت، مغایر با پرورش شخصیت انسانی و مانع بروز شخصیت و استقلال افراد است. میل بدون آن که با اصل مالکیت مخالف باشد به مانند «سن سیمون» خواستار برابری در آغاز تولد و تحدید حق وراثت است. «استوارت میل» کتاب بزرگی تحت عنوان «در آزادی» به همکاری همسر خویش تصنیف نموده و در مبحث توزیع ثروت بدون آن که نظر واقعاً جدیدی ارائه کند عقاید «ریکار دو» را در این موضوع با دلایلی روشن تر توجیه کرده است، میل به نکات آتی تاکید نمود:

۱- تمایل جمعیت رو به افزایش است.

۲- مُزدها در حداقل معیشت، ثبات می یابد.

۳- رانت متمایل به افزایش است.

۴- سود مستمراً رو به تقلیل است.

از نظر «استوارت میل» سه منبع درآمد و سه طبقه صاحب درآمد وجود دارد: منبع اول (مُزدکارگر)، منبع دوم (رانت ملکیت ارضی) و منبع سوم (سود سرمایه دار).

( طبقه اول کارگر، طبقه دوم مالکین ارضی، طبقه سوم سرمایه دار).

«جان استوارت میل» در مورد حداقل معیشت عقیده داشت که:

۱- اراده کارگر در مقابل غریزه تکثیر، می تواند ایستاده گی نماید و در نتیجه عرضه نیروی کار افزایش نیابد؛

۲- چون وجوه تخصیص یافته به مزد ویا به اصطلاح دیگری چون مایه مزد ثابت نیست و به نسبتی که پیشرفتهای مادی تحقق می یابد قابل افزایش است؛

۳- بلاخره چون مایه مزد برابر با مزدی است که به جمیع کارگران پرداخت می شود و مُزد پرداختی به گروه های مختلف کارگران تابع بارآوری یا مولدیت فعالیت آنها و همچنین تابع سازمانها و مقابله قدرت سندیکاهای کارگری و کارفرمایی است؛ در نتیجه جامعه کارگران می تواند از رفاه بیشتری برخوردار گردد.

اوضاع فاجعه بار افغانستان امروز را توضیح داده، مسوولیت ناتو و امریکا را در شکل گیری آن نشان داد. در جریان دیدارها از روند تشکل ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و امیدواری که برای ایجاد یک حزب بزرگ دموکراتیک و ترقیخواه در افغانستان به وجود آمده است به دوستان بین المللی معلومات ارایه شد.

- قرار است کنفرانس بزرگی درباره مسایل استقرار صلح، ثبات سیاسی، استقرار دموکراسی و جستجوی راه های انکشاف افغانستان از سوی پنجاه نهاد مترقی و صلحخواه اروپایی و صد نهاد سیاسی و اجتماعی افغانی در اکتوبر سال روان در شهر استراسبورگ فرانسه دایر گردد. رئیس دوره یی به نماینده گی از ائتلاف به حیث عضو کمیته سازماندهی این کنفرانس در جلسات منظم آن کمیته شرکت کرده و تلاش کرده است تا آجندای کنفرانس، مسایل اساسی زنده گی مردم افغانستان و ایجاد یک نظام واقعاً دموکراتیک را محتوا کند. بنا به درخواست رئیس دوره یی تاکنون دو نهاد اجتماعی دموکرات افغانی در اروپا به این روند پیوسته اند. ضرورت است تا نهادهای سیاسی دموکرات داخل و خارج کشور نیز به این پروسه بپیوندند و مواضع ترقیخواهی و ضد بنیادگرایی را در این کنفرانس نیرومند سازند.

- بنابر تقاضای "نامه بین المللی"، نشریه حزب کمونیست فرانسه از رئیس دوره یی ائتلاف، مقاله مفصلی در باره وضع کشور، دستاوردهای ائتلاف و چشم انداز جنبش دموکراتیک در افغانستان، به زبان فرانسوی آماده گردید که در شماره ماه مارچ آن نشریه، منتشر گردید.

#### ۴- در عرصه اجتماعی،

- به مناسبت گرامیداشت از مقام شایسته زن درهمایشی که از سوی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه افغانستان، برگزار شد، تجلیل به عمل آمد. همایش با اشتراک صدها تن از زنان، مدافعان حقوق زن، اعضا و فعالان احزاب و سازمانهای مشمول ائتلاف و شماری از نماینده گان مجلس نماینده گان، ۲۴ حوت در شهر کابل تدویر شد. استاد سیف الدین سیحون عضو هیئت رئیسه ائتلاف، درباره ی جایگاه زن و نقش محوری زنان در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور، سخنرانی کرد. همچنان پیام هیئت رئیسه ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه افغانستان، به مناسبت قدردانی از مقام زن، توسط خانم فوزیه یکتن از اعضای ائتلاف به خوانش گرفته شد.

خانم فرخنده زهرا نادری نماینده مردم کابل در مجلس نماینده گان و عضو شورای عالی ائتلاف، طی سخنرانی مبسوطی با اشاره به مبارزات تاریخی زنان در برابر استبداد، تبعیض و بی عدالتی و نقش کلیدی جنبشهای آزادیخواهانه زنان، وضعیت زنان به ویژه در روستاهای کشور، اندوهبار و تاسف انگیز خواند و بر محو خشونت، فقر و محرومیت زنان در کشور تاکید کرد.

همایش با توزیع تحافی به شماری از زنان شایسته و نخبه که از سوی از هیئت رئیسه ائتلاف، تهیه شده پایان یافت.

#### رفقا و دوستان گرانقدر،

چنین بود برجسته ترین اقدامات و فعالیتهایی ائتلاف در سه ماه گذشته. آشکار است که ائتلاف حرکت پیشروانه خود را به سوی حزب جدید سراسری ادامه می می دهد. حرکت ترقیخواهانه در جریان این روند، با فرهنگ جدید سیاسی مجهز میگردد، وضعیت عینی و ذهنی جامعه را به طور دقیق در محاسبه های خود جا

## باقیمانده صفحه ۲

## نخستین همایش احزاب و سازمانهای ...

به نماینده گی از حزب پیوند ملی در این همایش شکوهمند اشتراک می نمایم.

حزب پیوند ملی افغانستان باور کامل دارد، که ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان که در توافق با یک پلتفورم سیاسی منظم و دقیق اعلام موجودیت کرد یک دستاورد درست و سنجیده شده است.

صحبت های همه جانبه رفقا: نایبی و کاوه کارمل و سایر رفقا مرا به این باور معتقد ساخت که ایجاد ائتلاف موجود فرایند دیدگاه همسو در ایجاد یک حزب واحد نیرومند می باشد، و این ائتلاف باید به سوی ایجاد یک حزب واحد و سراسری کشانیده شود»

جنرال فیضی در ادامه سخنرانی شان افزودند: «با یک صدا و یک هدف مقدس از گسترش ائتلاف و ایجاد یک حزب واحد سراسری بخاطر شگوفایی و آبادی وطن عزیز ما افغانستان به مبارزه به پا خاسته و نجات این کشتی شکسته را مسولیت خود می دانیم اتحاد و وحدت همه فرزندان صدیق کشور را خواهانیم.» جنرال فیضی بیانیه شان را با این شعار به پایان رسانید:

«پاینده باد استقلال، جاوید باد ملت قهرمان افغانستان».

پس از ایشان بانو سیغانی به نماینده گی از همایش اروپایی شورای زنان افغانستان پیام همسویی زنان افغان را به همایش ارایه نمود: در یک بخش این پیام آمده است:

«به باور کامل می توان اندیشید، که وحدت، همسویی و همدلی گهر گرانبهای است، که دستیابی به آن می تواند حیات سیاسی یک جامعه را به سوی بقا و صفا بکشاند، با مسرت و شادمانی، که این مامول در کشور عزیز ما افغانستان پس از سالها تفرقه و جدایی بر آورده شد و نخستین سنگپایه ی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه به تاریخ ششم ماه ثور سال ۱۳۹۱ خورشیدی در شهر کابل پی ریزی شد و این باور ما را به حقیقت پیوند داد. که این اقدام آغاز یک جهش جدید و پی ریزی یک جنبش جدید میان نیروهای ترقی یخواه و دموکرات کشور ما گردید،» در یک بخش دیگر این پیام آمده است:

«همایش اروپایی زنان افغانستان در حالیکه از دست آورد های موجود ائتلاف پشتبانی خود را ابراز می دارد، به این باور است، که تنها با گسترش این ائتلاف و شامل ساختن دیگر احزاب دادخواه، دموکرات و ترقی پسند و اشخاص انفرادی می توان این سازمان را نیرومند تر ساخت.

همایش اروپایی زنان افغانستان با همین امیدواری، پشتبانی خود را از ایجاد شورای خارج از کشور ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه ابراز و آماده گی خود را در پیوستن به این ائتلاف و رشد و گسترش آن بیان می دارد. بگذارید تا یک حزب نیرومند دادگستر، دموکرات و عدالت خواه از میان این ائتلافها سر بلند کنند و درفش آزادی، دادگستری، دموکراسی و ترقی پسندی را در کشور به اهتزاز در آورد.»

سپس صلاح الدین صمیم به نماینده گی از کنگره ملی سخنرانی نمود و در یک بخش از سخنرانی اش گفت: «به نماینده گی از کنگره ملی پشتبانی خود را از بیانیه های رفقا دکتر نایبی و کاوه کارمل ابراز می دارم، خاطر نشان می سازم که از زمان ایجاد کنگره ملی تا اکنون تحولات شگرفی پدیدار گردید، زمان از ما می طلبد تا در برابر این همه سازمانهای متعدد ارتجاعی و در اوضاع نا آرام کنونی یک سازمان نیرومند سیاسی ایجاد گردد، کنگره ملی از بدو پیدایش در راه وحدت نیروهای دموکرات و ترقی خواه تلاش نموده است و می نماید.» در پایان صحبت شان افزودند:

«کنگره ملی پشتبانی جدی خود را از ایجاد و تشکل یک نیروی فعال سیاسی دموکرات و ترقیخواه افغانستان ابراز می نماید و تمام تلاش خود را در این زمینه به خرج خواهد داد.»

سپس سرور منگل به نماینده گی از کمیسیون وحدت احزاب و شخصیتهای ملی، دموکرات و ترقیخواه افغانستان طی بیانیه ای گسترده و وسیع دیدگاه کمیسیون وحدت را بیان داشت، در یک بخشی از بیانیه ای شان آمده است:

«اشتراک هیأت نماینده گی کمیسیون وحدت در اجلاس حاضر بطور نمایشی نیست، ما آگاهانه و از روی خواست خود در این همایش اشتراک نمودیم، ما نیز امید های و خواسته های داریم، کمیسیون وحدت بر بنای آن بدون ملاحظاتی قبلی از اجلاس صمیمانه می خواهد تا با استفاده از گردهم آیی حاضر دو باره به کار مشترک همکاری با سایر سازمانهای وحدت طلب در اشکال اتحاد ها به منظور گشودن راه به طرف حزب واحد سراسری افغانستان شمول برای حضور و شرکت فعال در راه اندازی جنبش های مطالباتی و سیاسی متحد را از سر گیریم.»

در یک بخش دیگر از سخنرانی سرور منگل آمده است:

«ما مبانی محکم از گذشته برای وحدت امروز داریم، ارزشهای که ما را با هم متحد می سازد جدا از ملایمات، کجرو یها تسلیم طلبی ها، ضعفها، نفی همدیگر و انقطابها تجربه های اند که جان بهترین فرزندان کشور، رفقا و دوستان ما را گرفته است و حوادث خونبار و تجاوز پیهم دولتها و نیروهای مسلح بیگانه تروریزم و برگشتهای تاریک و ویرانگر و خون آلود چهار دهه نتایج ناگوار آنست.» در پایان بیانیه ای شان گفتند:

«فرصتهای کافی پیش روی داریم که طی آن خواهیم توانست، در یک نشست سازنده رویاروی نخبه گان احزاب و اتحادیه ها و شخصیتها با هم بر مبنای وحدت و حتا ادغام سازمانی مشورتی و مصلحتی در اروپا با هم گفتگو کنیم این امکان میسر است.»

سپس دکتر حمیدالله مفید مسوول کمیسیون رسانش و فرهنگ شورای اروپایی حزب مردم افغانستان از نام دفتر سکرتریت همایش پیامهای همسویی اتحادیه حقوقدانهای افغانستان و شورای افغانهای مقیم دنمارک را که به همایش فرستاده شده بود برخواند.

بعداً صمد ازهر به نماینده گی از شخصیتهای مستقل سیاسی نوبت گرفتند و طی بیانیه ای فشرده چنین گفتند: «تبدیل شدن یک حزب با وزنه و یکپارچه ملی و دموکرات به چندین حزب پارچه، پارچه و بی وزنه، در اوضاع و احوال پیشین، مایه دلسردی و تشویش ما شده بود، تحولات اخیر و تلاشهای همه جانبه و صمیمانه احزاب دموکرات و ترقی پسند در این اواخر یکبار دیگر امید های ما را به خاطر ایجاد یک حزب نیرومند و با وزنه در داخل کشور زنده ساخت. من با همین امید واری پشتبانی خود را از ایجاد یک حزب نیرومند دموکرات و ترقی خواه ابراز می دارم و مسولانه خود را با این سازمان جدید همسو و هم آواز می پندارم.»

سپس نورالله نوری به نماینده گی از بنیاد جوانان افغان مقیم اروپا طی بیانیه ای دیدگاهش را در مورد نقش جوانان در ادامه فعالیت های دموکراتیک و ترقی خواه بیان داشته افزود، که یک سازمان سیاسی وقتی پاینده و باقی می ماند که اندیشه و افکار خود را میان جوانان بقا و صفا دهد، جوانان افغان در اروپا به همین امید واری ایجاد شده و تلاش می نماید تا درفش پر افتخار و والای دموکراسی و دادگستری را به دوش بکشد، تقاضا می کنم تا در تشکلهای جدید نقش جوانان فراموش نشود.»

سپس حشمت اورنگ به نماینده گی از شخصیتهای مستقل پشتبانی خود را از ایجاد یک حزب واحد وهماهنگ ابراز داشت.

بعد داکتر شفیع صدیقی به نماینده گی از سکرتریت کمیسیون وحدت احزاب و شخصیتهای ملی، دموکراتیک و ترقیخواه افغانستان کار و فعالیت ←



## باقیمانده صفحه ۱۶

## نخستین همایش احزاب و ...

سکرتیرت کمیسیون را بر شمرده و افزود که کمیسیون از ایجاد یک حزب سراسری همه جانبه و گسترده پشتیبانی خود را ابراز می دارد و تلاش خود را برای ایجاد یک حزب واحد و سراسری ادامه خواهد داد.

سپس دکتر حبیب منگل عضو حزب مردم افغانستان سخنرانی شان را در حالی که پشتیبانی خود را با بیانیه همه جانبه کاوه کارمل ابراز داشت افزود که پیشنهاد می کنم، تا بدون ضیاع وقت همه سازمانها دموکرات و ترقیخواه در این ائتلاف بدون شرط و شروط اشتراک نمایند. آخرین صحبت کننده نسرین مفید رئیس شورای آلمان حزب مردم افغانستان بود که دیدگاه و انتقاد اش را در زمینه نقش کمزنگ زنان در رهبری ائتلاف ابراز داشته افزود که در پلانفورم ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه افغانستان آمده است: «ائتلاف تثبیت جایگاه شایسته زن افغان را در جامعه در مرکز وظایف خود قرار داده، سعی می کند تا حقوق مساوی زن با مرد در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی در قوانین کشور تصریح گردیده در عمل تحقق یابد» با درد و دریغ که این طرح در روی کاغذ باقی ماند و دیده شده که نقش زن در این ائتلاف کم رنگ است و می بینیم که در عمل زنان هنوز هم نقش برجسته ندارند. پس از سخنرانی بانو نسرین مفید.

برطبق اجندا پیشبینی شده، فراخوان نخستین همایش ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقی خواه پیشکش گردید، که در این مورد همایون صادقی دیدگاهش را ارایه نمود که مورد بررسی قرار گرفت.

در اخیر جناب سلیمان راوش نویسنده و پژوهشگر تدویر نخستین همایش ائتلاف احزاب و سازمان های دموکرات و ترقیخواه را مورد بررسی قرار داد ه افزود:

همایش امروز یک تکانه و یک حرکت جدیدی به سوی همسویی و هم آهنگی است، من این حرکت را یک کار نیکو و پسندیده می دانم، من بنا بر دعوت جناب داکتر نایبی رئیس دوره ای ائتلاف در این همایش اشتراک ورزیدم، من در این نشست با حرفهای جدید و دیدگاه های جدید رو برو شدم، آنچه برای من درد آور است، اینست که زمان می گذرد نباید دست زیر الاشه نشست، هنوز شما دشمن مشترک تان را تشخیص نداده اید، من با تمام وضوع و خشوع از شما تقاضا می کنم تا با هم متحد شوید و در افغانستان درفش سعادت مردم را بر افزایش، من از شما تقاضا می کنیم، که اگر شما امروز وحدت کنید، من تمام انرژی خود را در خدمت شما قرار می دهیم، پیشنهاد های داکتر صاحب نایبی خیلی منطقی، درست و بجا است، بیاید تا دیر نشده با هم متحد و یکپارچه شویم در کار آگهی بخشی توده های مردم وظیفه اساسی خود را انجام دهیم.

در پایان عبدالله نایبی رئیس دوره بی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه کار همایش را مثبت، صمیمانه و دوستانه ارزیابی نمود و تعهد خود را در راه ایجاد یک حزب نیرومند ابراز داشت.

همایش در یک فضای صمیمانه و رفیقانه و اعتماد و باور بر یکدیگر به ساعت هفت شام به پایان رسید.

همایش اروپایی زنان افغانستان در حالیکه از دست آورد های موجود ائتلاف پشتیبانی خود را ابراز می دارد، به این باور است، که تنها با گسترش این ائتلاف و شامل ساختن دیگر احزاب دادخواه، دموکرات و ترقی پسند و اشخاص انفرادی می توان این سازمان را نیرومند تر ساخت.

## د ۱۹ مخ پاتی

له (ن غ ت)، ناندره، خاندیره او جندره له (ن د ر) ... او منگل (منگول) له (ن-ن گ و) - سره چی زیاتره بی کلسنتره ویل کیوری او همداسی لیکل کیوری.

(۲) یو لړ شمیر ارکاییکی او نیم ارکاییکی کړوالي او بیا متعدی بیلبنتی بیلگی له گردو گردانی بنو او د مصدر په گډون له ټولو کړنومونو سره، لکه: - له زرو او نوو مخکرو یا مختارو سره، لکه: اخیستل، اریستل، امیستل (سفتن)، پرېستل، تیرېستل، کښېستل، کښیستل، پرائیستل، ننه اېستل، پورېستل، جارېستل... له (- س ت -)، اېښوول، پرېښوول، کښېښوول له (- بنو- )، پرېوول له (- ول -) منځې واکوری سره.

(۳) همداسی، لکه په سرکی چی یادونه وشوه، شینواری او له پیښوره نیولې تر سوات و بونډر او ان تر مارگلی پوری دکرستی د لپړند (متعدی) توک (مونیم-aw-, -ew-) په توگه له روسنی بیواک سره د (-w -) په ملگری کولو منځ- بی واکوری درواخله، لکه (-رو-) په زېړول-ze-gw-el او نورو کی.

(۴) د یوه بیواک او نیمواک (y) په ملتیا، لکه په دې وییو کی: بی دیا، پکتیا، متیازی، وریا، وریان، دنیا، رښتیا، غلیا، جلیا، بسیا، اوریاستریا، او نور (الف- پای) بیلگونه (مشقات)، او همدارنگه گرد (- تیا) روستاری والا نومونو نه، لکه روغتیا، ملتیا، سترتیا، ورتیا... پور وییونه، لکه، نسپه، تکیه... او بیا ځاینومونو کی، لکه: برېتانیای، لیبیا، کو لمبیا، کینیا، اېتوپیا، استرالیا، اېتالیا، ملیزیا، اېندونیزیا، کمبودیا، کالیفورنیا، کو لمبیا، لوزیانای... زموږ خپل تاریخی دا، اسیا، آریا، آریانا، بخدیانا، مرگیانا، درنگیا یا زرنګیا (اوسنی زرنګ یا زرنج)، سوغدیانا، لود یانا، اودیانا... هم همداسی درواخله!

(۵) په هغو وییونو کی چی هممهاله له سرې واکوری سره پیلېږی، لکه: نماخل، نماخنه، تومنه، نجتل، نغبتل، رغبتل، نبتل نبتل (مبتلول)، نما نخنه، ښکخل له (- ن خ -)، (د مزدک آره بڼه) نمزدک له (- ز ی-)، پیاورتیا له (- ت ی-)، پرېکړه، پرېکړون، زده کړه، غبرگ یا بغرگ له (ر گ)، هوکړه، زوکړه، سوکړه (وچکالی، قحطی)، دوکړه (تبله)، توکړه یا توکړه، راکړه ورکړه له (- ک ر-)، تریل له (- پ ل-)، خو یندې، میندې، تریندې ... له (- ن د)، پیاړژندی، او تر ټولو روسته، پرېستل، کښیستل، پرائیستل له (- س ت-) سره.

ج - پای بی واکوری (final clusters) په لاندی توگه دبلندی کوو:

(۱) دوه کنسوننتی، له (-ند) سره لکه په دې وییونو کی: اند، واند (خیال)، برند، تاند، تاند لېاند، دروند، پروند، خوند، ژوند، ووند، بند، توند، سند (رایه)، سیند، پایند، میوند، مروند، اړوند، ځلاند، بهاند، بلاند، ویاند... ؛ درمند، دردمند، هنرمند، کارمند، چلند، ترند، و یند، بهند، توسند، گرځند، خورند...

له- (ننگ) سره، لکه په دې وییونو کی: څنگ، ځانگ، پړانگ، دنګ، منگ، ډانگ، ډپنګ، ټینګ، ترینګ، گرینګ، رنگ، رنګ، بنگ، مشنگ، گرنګ، لنگ، ارنګ بر نګ (شک و شپه)، خولنگ (نارې سورې)، جنگ پالنگ، تنگ، زنگ، کونګ، پنتګ، څور نګ (لنار، په وینو لت پت)، لونګ، اترنګ، شرنګ، ترنګ، ننگ، کو لنگ (کلنگ)، ملنګ، کلنګ، ټینګ، زر نګ، نرنګ، داربنګ، الیشنګ، سالنګ، اولنګ، یکا و لنگ؛ (ن گ) پای - کړنوم غور ځنګ، سونګ، خورنګ، څښنګ، ولنګ (شست و شو)، کړنګ، کونګ، تر نګ، بیلنګ، ویلنګ...

له تاریخی پلوه په دغو زیاترو بیلگو کی په (-ن) پسی (- د) او (-د) وړاندې روسته بیا هسی د ترنگتوک یا ایو فونیم (ترنم) لپاره (دېرن) موندلی دی. دغه هڅه (تمایل) په (و) گړنی پښتو، پارسی او نورو ژبو کی هم لیدل کیږی، لکه: چمند، ارماند؛ په-ن/ پسی (- گ)، لکه په... او له سرچپه دېرن سره چی تر-د/ او-گ/ مخکی-ن/ راخی، لکه په (امویند)، (منگر) یا (مونگ) کی چی کله مور پر موگ اوبنتی دی، ان په (منگول) کی چی کله مغول (مگول) شوی، (-ن) تر (- گ) له مخه ور زیات شوی دی. (پښویه، دویم چاپ ۴۰)

په دې ډول مور کولای شو، د اسانی لپاره په ځینو وییونو کی یی په غورخولو سر له کلسنتره را وباسو، درمن، درون، کارمن... وکاروو، او همداراز د کړنومیز روستاری (- ننگ) بل گردو دی ځیل (-ن) په پام کی ونیسو، لکه: خورن، کړن، اوبنتن، سون، تلن، ولن، لکه په وچولن (خشکه شوی) او وچولنځ (د خشکه شوی ځای یا دوکان) او داسی پسی نور.

هغه وییونه چی سرو پای دواړه بی واکوری لری او په یوه خپلواک (واوېل)، څپه یاغبرگنر (دبفتونگ) سره بی لپږی، لکه (غومیند) چی سر-دا (غ و) په یوه غبرگنر (- ay-) او یوه څپه (- ma-م) له پای- هغه (-ن د) څخه بی لپږی؛ په ورته زاړه ترنگ (گوختند) یا (خو لخوند) کی دري سره ډولونه لیدل کیږی، سرکلسنتر (گ و)، په یوه زورکی له منځ- (ت خ) سره بی لپږی او منځ- دا په یوه زور له پای- هغه (ن د) سره، نورې بیلگی: شرومب، کوند، خرنج (اردور، څورب، نفاق)، خوند، شخوند، نمونځ (لمونځ)، نمونځ، وروست، سست، پښت، سکښت، نغبت، رغبت (لغزش)، ځلی پښت، لوپشت یا ولی پښت، میاشت او نور.

پوهاند دوکتور م. ا. زیار:

## پوره (پایینه)

پاتی برخه

ویچار کړل... دلته (کلیو) ځکه پر خپل اکر پاتیری چې که پر (کلو) وارول شی، خبره مورفو- فونولوجیکي بدلون (ماناونج) ته رسی ځینی سلیما نخیل او بیا زرموال (یوگری بنځینه) پینتو) هم په ورته کلستر (( پینتو (pəx tyó)) پایته رسوی.

وردگو ( او بنایي کوم یو نیم کرلانی تیر) ډېر بیواکوری، نه یوازې خوندي ساتلی، بلکې لرو ډېر نوی یې هم رغولی دی، لکه: یوه، یوې، سره، کره... (sra, kra...) د یوڅپیزولو له لارې؛ همداسې یې نومکرونه denominatives ( سترپول (سترې کول، خوشبول (خوشې کول) او دا سې نور در واخله چې دا یې بیا د گردود د ترښتی (سینتی تیکي) ځا نگر تیا یو نوي ښکارنده ده.

سویل لویدیځ دوڅپیز (زما- زمور) پر یوڅپیز کلستر اړولی چې له شعری اړتیا پرته کره منل کېدای نه شی. ځکه د پینتو د ټولیز غرونج پر بنسټ وار له مخه له آرې تاریخي بڼې (دما- د مور) ساده دو څپیز شوي، په بله وینا، غرن/د/ پر غرن/ز/ اوښتی، خو پر وړاندې یې د (دنا-دناسي) هغه له نا غرن/ني/ت/ سره ناغرن/س/ اړخ لگولی او په دې توگه رومنی جوړه وار له مخه دوڅپیزه شوي او پر یو څپیز بیواکغوند (کلستر) اوښته یې دویمې ونج دی چې سوېل- لویدیځوالو له (سنا-سناسي) سره د پر تلې یا قیاس (analogy) له مخې رامنځته کړی دی.

پایښت

ځینی کم از میښته پښتانه ویاندان اروپایي کلستر پورویزونه (ابتدا پر ساکن مستعارویونه) د پارسی ژبیو په پیښو هسې بیځایه ویلي کوی، لکه: پلان، پروژه، استیشن، گلوبالیزم... ان تردې چې خپل نره دا هم، لکه دوڅپیز (مرستیال) پردې څپیز (مرستیال) او مرستون پر (مرستون) اړوی. ورته پیښې یې په ځاینو مونو او وگر نومونو کې هم لیدل کېږي، لکه: یو څپیز کلسترونه (گر شک، گرویک، سوات، سویس، سوېډن، پښین... ) د منځپلواک په مټ ویجاړوی، فرانس یا فرا نسه، فرا نسسکو، سلواک او داسې نور سرکلستری یا پای کلستری وگر نومونه او ځاینو مونه دروا خله. همداسې په ورته بیځایه پیښو دو څپیز (سروبی) په منځ- خپلواک (a, ə)، په بله وینا، د سر بیواکو ری(سرو-) او د (پکتیا) د پای کلستر (-تیا) په شننه درې څپیزوی. (ستوکولم) د (الف) په ډېرن پر(استو کهولم) اړوی او داسې نور.

همداراز د پینتو وینگ پر خلاف دو څپیزه کلستری (سپانیا) ، یوخوا د (الف) په ډېرن (اسپانیا) درې څپیزوی او بلخوا یې دپای کلستر په ویجاړ تیا پر څلور څپیزاړوی، (هسپانیا) لیکدود خو یې لا له ډېر دود انگرېزي هغه (Spain) څخه نور هم وائن زیاتوی؛ د لرو پښتو یوڅپیز هو بهو وینگ او لیکنگ ((سپین)) هم له پښتو څخه د راخپلوني (ادا پتیشال) ځا نگر تیا یې رښته راخرخشونی. دوی له دغه پلوه په ځانگړی ډول د اردو رندو پیښو لاره یو مخیزه پرمخ اخیستی او د برنی کره پښتو په توپیر یې ان د اسلامي هیوادو او پلازمینو د نومونو درا خپلوني یوه لړه کی هڅه هم نه ده کړې، لکه سعو دی عربیه (عربستان)، اجیپت (لروډېرمصر)، سوریه (لروډېرشام)، کیرو، لیبیه، اندونیشیه، ملیشیه... (پای)

بیواکوری د ویی یا څپي دننه دریځ له مخې درې ډوله دی:

(۱) سرپي واکوری، (۲) منځ-بي واکوری او (۳) پای- بي واکوری.

الف: (پیل- یا) سر بیواکوری (initial clusters)

په پښتو کې د دې ډول بیواکوریو ډېرې ښې (بسامد، فرپکونسی) تر منځ بیواکوریو او پای بیواکوریو بیځی زیاته ده. بشپړ ډېری یې دوه غریزې او درې غریزې یې چې اوږدترین دی، له څومره بیز پلوه په دویمه پوری کې راځی.

لومړی-دوه بیواکی یا دوه کنسوننټی سرکلسترونه پر لاندېډو درو ډلو وپښنه مومی:

(۱) پښتو دوغریز سرپي واکوری تر گردو بشپړ ډېری وییونه رانغاړی او لکه المانی، انگرېزي او نورې جرمانی ژبي، یا روسی او نوري سلوی هغه، زیاتره په مشلیو، بیا په تیره شپي لکی (صفیری) او ازانگه وال اوزونو (س، ش) هغه هم تر ډېره د تمبیواک (انسدادی /پ- / او-ت- / په ملتیا) پیلېږي، لکه: سپی، سپین، سپیڅ، سپیڅلی، سپیره، سپیړگل، سپیړگه، سپیښته، سپیښته، سپیغول، سپیښلی، سپور (سوار، وچ)، سپرلی، سپارل، سپلم یا سپیرلم (روباه)، سپلمی، سپلمی، سپم (دستني ستومی)، ←

(۲) (-ya-) پر (-e-) بدلول، لکه: بیارته/بیرته پر بی رته، ژر/ ژیر پر زیر؛ شمال ختیځ خواته (بی) بیا پر بیل (byal)، وېره پر ویره، چېرته پر چیرته او بیا چرته اړوی، بل ناکره خول یې چرې دی او تر گردو کره (چېرې) منل شوی او کندهاریان یې له خپلی خجوهیزي ځانگړتیا سره سم دواړې اوردې (ی) گانې پر لنډو (ی) گانو بدلوی، خو دوڅپیز اوریځ پریاړی پر یوڅپیزه وریځ wrej او وریځ- wryaj) ، (درواغ) پر (دروغ)، (پیر) پر (پیر) او (وېښته) پر (وېښته) کلستری (اړوهیزي سیندگی ۱۸۰)

(۳) د غریزادلون بدلون له بی لگو څخه اوږنونه یا قلبونه (metatheses) چې که څه هم د لوید یزي گردودی ډلې په پرتله په نورو دروهغوکي زیات لیدل کېږي، نو که له بل ارسره یې د ټکر وېره هم نه وی، له یوې مخې ورته کره لیکنی پښتو ته لار نه ورکوو او هماغه آرې تاریخي بڼې یې ساتو، لکه: اوسپلی (اوسپلی)، کښل، کښته... (ښکل، ښکته...).

پر وړاندې یې بیا د (روخ- ورځ)، (رغ- غر)، (برالبه- بلاربه)، (اروېدل- اورېدل)، (بغرگ- بگرگ)، پرول- پورل)... دویمې بڼې، د دوه-درو معیاری ارونو له کبله کره امرل شوی دی، لکه د ویونکیود ډېروالی، ټولیز اسانوالی او دودوالی له مخې.

په ( ځمکه- مزکه) کې هم بنایي، دویمه اورېدلي دایي ډېر ویونکی ولری، خو د نویو رغولیو او رغی دونکیو بی لنگونو او ترنگونو (مشتقاتو او مرکباتو) له پلوه له کره لیکنی پښتو سره ښه ترا اړخ لگوی، لکه په (ځمکنی، ځمکوال، ځمکسمن، ځمکوبش، ځمکزی، ځمکلاندی، ځمکغوندا ری، ځمکواک، ځمکواکی، ځمک- هو توغندی... ) کې.

ځینی لیکوال (ازانگه) او (انگازه) کې له نیولوجیزم او بیا سیمانتیزم (ماناونج) سره، مورفو- فونولوجیکي بدلون راولی، لومړی خپل یې د(انعکاس، پړواک) او دویم دا یې د(هنگامه) اندولوی.

(۴) د یوه خپلواک (زور، زورکی) په ډېرن (اډېشن) سره ، لکه د ننگر هار خواته: یو څپیز پسه، پسي دوڅپیزوی او دوڅپیز (سپرلی)، درې څپیزوی ،چې پیښوریان یې بیا پر (سپرلی) اړوی ځکه له (پس-) ورته (سپ-) بیواکوری اسان پریوځی، خو داچې د رومی ویی ډېرگری یې هر گوره له یو گری (سپرلی) سره ټکر خوری، نو کره منل کېدای نه شی؛ همداراز یې (زمری) پر (امزری) او (مزری) اړول درواخله نغری- انغری، نجل- انجل، نجلی - انجلی یا جینی، نجو نه-انجونه یا جون، جنکی، جنکیانی، جینکی یا جینکیانی هم له کلستره یوه تیښته، په بله وینا، اسانخوبنی اویاهم خورغری (euphony) ده چې د ډېرن، غورځن، اورن، همرنگی او د دې لړی د نورو اوښتوله موخو او انگیزو څخه گڼل کېږي. (پښویه- ددرېم چاپ پایڅور ۳۹-۴۱)

ځینی پښتانه ارت، اوږد، روږد، اړخ، بوخت، ږد- (اږدم...) (په زورکی) منځ- خپلواکونج (Ablaut) سره دوڅپیزوی او په دې ډول یې کلستر ورشني. ځینی بیا په سرچپه توگه یو نیم ویی، لکه برخه (bárxa) چې اورېدلي بڼه یې (بخره) ده، په لوی لاس پر (bráxa) کلستراړوی، یا د (ښکل) سروری (دو-) (په ډېرن) (وښکل) له منځه وړی، خو پر (درول) د (و-) ډېرن (ودرول) سره منځ کلستر (د-ر-) را منځته کوی. (لیکلار ۵۳)

(۵) سرپي واکغونونه، هغه هم زیاتره له (-əw-) غبرگ سره د شمال ختیځ خواته یووستوی (-o-) یا (مونوفتینگ) کېږي، لکه: لوست(لوست، استفراغ او لوستل استفراغ کول مانا لری)، سوب (حاضر)، غونج، غوب، کوټه (ډېری، امبار؛ ځاینوم)، کوچ، کوچلانه، کونج (قونج)، گوب، خوته... ← (۲) سیمی واولW.

(۶) له سوېل لویدیځ پرته په نورو دروگونو گردودی ډلو کې د (-ی) او (-ی) پای نومونود اوښتو ډېرگړیو (مغیره جمعو) کلستری بڼې ساده والی مومی او ډېری لیکوال یې هم په همدې لیکدود کاری چې مور د ډېروالی او اسانوالی دارونو له مخې یو سازښت ته رسېدلی یو او هغه داچې په ستاینومیزو، ټولنومیزو او شمېرونومیزو ترنگو (توصیفی، اضافی او عد دی ترکیبونو) کې له مخه راغلی ټاکندوی یا ټاکندویان (موبفایر یا موبدیران) ورسره زیاتره همداسې بی کلستره، په نورو ټکو، بی زورکیوالي (-ی-əy-) له ساده اوښتی بڼې سره کره منلی (منلی) بولو او ورپسې ټاکلی، سنایلی او شمېرلی نوم په آره اوښتی کلستری بڼه، لکه: میروښو ښوونکیو، پیاوړو لارښوونکیو، دکلیو درو میرو وگړیو ته ستاینلیکونه ورکړ شول، دکلیو نوو لویو لښتو سرکونه

دویم - درې غږیز ( او ډېری اوږدترین) پښتو (دوه بېواک او یو نیمواک) سرې واکوړی:

د دې ډول هم ډېری بېلگې په دوه گونو شپېلکې (صفیرې) بېواکو (س) ش) پیلېږي، په دویمه کچه کې په دوو منبلیو ژبې- تالوییزو (خ، غ) یا تم- نر متالوییز (ک، گ) او درېیم بشپړ ډېری هغه یې له نیمواک/و سره راځي، لکه:

(۱) له (ش خ و)، (س خ و) او... سره په دې روسته وییونو کې: شخول (آشوب)، شخول (خپگان له زورکې سره، شخولې، شخوند یا سخوند، سخوندر، سخوار (پیت پزی)، سخوبنتی (وینکې)، سکو بڼتل (سکو ستل، سکولل)، سخربت (لرگین غونډاری)؛ نکولې، ستهان (ستان له هندي ساینزوالی سره).

له بې انگازې نرم- تالوییزو تمبېواکو (ک، گ) سره راپیلېدونکو او بیا په نیمواک (و) پسې هم د راغلو رڼنده او رڼنده اووریزو (ر، ږ) بېلگې یې، لکه په دې روسته وییو کې: کورت، کورټ، گورت، گور نډه (گودال)، کورم یاگورم او کورکه کورنج (کور نجیدل) یا کورنج (کورنجیدل-ول) او یاکورنگ (کورنگیدل-ول) (د سپی زونگ او زو نگیدل-ول له وهلو سره) او له ژبې - تالوییزو (خ، غ) سره را پیلېدونکې او په (و) پسې د ورته راغلو اووریزو (بیره یې) بېلگې یې، لکه په دې وییونو کې: د (خورل) ناتېرمهالي سټه (خور-: خورم، خورو، خوری...)، خوره یې، خورینه (د خورینه دپق انډول)، خورنول (پسه پر مېړه خپړول)، خورچ (نسترن)، خورین، خور سکه یا غور سکه غورچ، غورپ (غړپ)، غورپل (غړپل)، غورشکه (د غرم یو خپل) غورم (د توپ اواز)، غورنجه (لمبه)؛ (خ و ل) کلسټر، لکه په خوله، خولم پلم (لژند)، خولخوند... کې؛ د ننگرهار ښکولې (xkw-əlay)، ښکولول، غولول (γwl-awəl)، نښتل (nxt-)، نښتی... هم په دې ډله کې راځي او داسې نور.

ښایې په هندواروپایي ژبکورنې کې سلاوی ژبې تر څلورو سرې واکوړو لږوډېرې بېلگې ولری، لکه په روسی (فسترچر!) کې. هرگوره، لکه پاس چې یادونه وشوه، په پښتو کې یې تر اوسه یوه بېلگه لاسته راغلي او هغه هم د (ندرور) په ډېرگري (نډریندي) بڼه کې اوڅلورم غږ (فونیم) یې هم بېواک (کنسوننټ) نه، بلکې نیم بېواک، په بله وینا، نیمواک/ی-ی/ دی. دسانفوردا شپږن (۵۹- ۶۰) د تیرې څرگندونې له مخې انگرېزي سر بېواکوړی تر درې کتنسو نننو تیرې نه کوی چې لږوډېر پکې له دوو نیمواکو یا سیمې اوپلو څخه یو، د کنسوننټ استازی هم کوی.

(۲) چې درېیم غږ یې نیمواک/ی/ وی، لکه په دې ډېرگرو ښځینه نومونو کې: خویندې له(خ و ی)، نږیندې له (ن ږ ی-)، نږیندې له (ت ږ ی-) سره ((نډریندي)) بیا سم له لاسه زمور د پلټنې او موندنې له مخې د پښتو یوازیني څلورغږیز (ن د ږ ی) بېوا کورې او بیا سر بېوا کورې دی، هغه هم د ندرور (خواهر شوهر) د ډېرگري (جمعي) په بڼه چې درې رومبني یې بېواک (کنسوننټ) دی او روستی دا یې نیمواک یا سیمې و اوپل/ی/ دی.

ب - منځني واکوړی (middle clusters)

د دې ډلې بېلابېلې پښتو بېلگې، لکه نورې هغه په پڅ (پښتو قاموس) او گړدودو کې نومېرل شوي دي:

(۱) په یووستو وییونو کې منځني واکوړی تر سر- او پای- هغو روسته په درېیمه کچه کې راځي، هغه هم بشپړ ډېری یې دوه غږیز دي، لکه په دې وییو کې: منگلوسه (تخت روان) له (- گ ل -)، پنډوسکه له (- س ک -)، کلونښته له (- ښ ت -)، گوسنه له (- س ن)، تیغنه له (- غ ن-)، نانځره له (- ن خ ږ-)، زوکړه، هوکړه له (- ک ږ)، کوچنی له (چ ن)، کوشنی، اشنا، اشنا (پشنا)، اوشنل له (- ش ن)، پاسل، پاسلول یا پاسلېل له (- س ل -)، بوتل، پرتل له (- ت ل -)، اوسکارل له (- س ک -)، خاوره له (- و ر-)، ژاوله له (- و ل -)، نانځکه له (- ن خ -) سره.

په یونیم ویی کې چې نن سبا په ښکاره یووستوی برېښي، یا له آره تږبنتی، په نورو ټکو زاړه ترنگونه وی، لکه: (خرخول) او (پڅخول) له (- خو- منځ - خپلو واکوړی سره، او یا له آره بېلښتی، په بله وینا، بېلنگونه (ارکاییک اشتقا قات) وی، لکه: (پېزوان) له (- زو- او (هېندوانه)، هندوان له (- ندو- سره هغه هېڅکله له (شپ) سره نښته شوي نه دي. له (شپ) سره نښته شوي نه دي.

سپما، سپک، سپورمی (سپنگی، ورمکې، ورمی)، سپو غزه، سپرل، سپن، سپنل، سپنسی، سپنپن (نسترن)، سپنڅری (وسپنڅیری)، سپنڅ، سپاره، سپرغه، سپرغی، سپرخی، سپرخیل، سپرمی، سپور، سپومی یا سپونې، سپوره، سپر کونډه، سپرکونډکه سپرکې، سپر کې، سپرسترگی (خاطر اېږدی)، سپرېره، سپېدې...؛

سترې، ستومان، ستم (ستمی)، ستو، ستومی، ستونی، ستوری، ستن، ستون، ستغ، ستر، سترگه، سترغلی، ستا، ستا سي، ستاو ندي، ستایل، ستانه، سخر، سخره، سمخ، سره، سرې، سرابن، سرپ، سيل، سکور، سکویل، سکام، سکم، سکیم، سکاسه، سکتا (قناعت)، سکول (د ټال پری)، سکالو، سکاني، سکن، سکيل، سکينتل، سکو، سکوی سکونينتل (سکولل)، سکينده، سنی، سکوندل، سمت...؛ شپه، شپول، شپېلې، شپېلې، شپېلول (شپېل)، شپون، شکور، شکول، شلول، شپړ، شپارس، شپېته، شپېشته، شته، شمېر، شرنګ، شرک، شرو مبي، شنالغه، شنا وی، شوار، شواره...؛ خپل، خپور او داسې نورې بېلگې چې له بېلابېلو سرغرونو سره پیلېږي.

(۲) نیمواک سیمې اوپل (W,y) د یو لږ سرکلسترانو په رغاونه کې برخه اخلي چې په یو لږ گړدودو کې د شتلو په موخه لومړی پر اوږده- و اړوی او دیم یې پر اوږده-ی:

- د و (-W-) په منخواله، لکه په دې وییونو کې: دوه، دوی، دوي، ژوند، ژواک، خواک، خوان، غور، گوته، گل، گور (حریف)، گوت (گوشه)، کور، غوز، غور، لوره (ولږه)، لور، لوار، لوره، کورت، لو ست، لو ستل، لوپشت (ولپشت)، لوپل (ولپدل)، خوند، ژوند، گوند، خور، خوره، خورل، خوراک، خوری، خوری، خورین، خول، خولی، خوله (دهن)، خوله (عرق)، خوا، خوار، خواله، خور (ژوبل)، خوابي، خوښ، خوښه، غوښه، غوښنډ، غول؛ گواښ، کونډ، کونډه، کونډه، کورکه کونگ...کې؛ سوی، ښوی، خوی (شپشک درخت)، همداراز د عربی (ډبر، فرج) پښتو انډولونه او داسې نور... .

- د و- (W-) په سرواله، لکه په دې وییو کې: ورا، وړان، وړین، وړور، وړبره، وړاره، وړت، وړیخ، وړانگه، ولاړ، ولل، وړل، لونل، ولپشت (لوپشت)، ولږه (لوره)...؛

د (y) په منخواله، لکه په دې بېلگو کې: بیا، نیا، بیرته، چیرته، ژیر، سیال، ویاړ، ویاړ، ویاړ، لیا، لیاړ، ملیا، میا، زیا (یاد، خاطر)، زیار، پیاز، نیاز، زیان، پیارمه، پیاسه (مجرای سيل، سيلبر)، پیاوی (کاني، خس و خاشاک روی آب سيل)، میاشت، میانده، پیانده، میندي، تریندي، تریندي. پیاوړی، پیاڅه (پاچه)، پیاڅه (آرد و نان جواری، برنجی یا ارزن)، پیاغله (دستمال گردن، مفلر)، پیاغله (چکن دوزی)، پیازه (سپيازه یا زیان، زن یا حیوانی که سقط حمل کند)...

- لکه له مخه چې د وردگو د گړدودې ځانگړتیاوو په لړکې وویل شول، د نرینه شمېرونوم (یو yaw) اوبنتي بڼې (ywe) او د ښځینه یوگري (یوه ywa) او اوبنتي بڼې (یوې ywe) په بېلگو کې د دواړو نیمواکو سرکلستر (-yw) شتون لری، خوداچې ډېری ویونکیوته یې وینګ گران دی، نو له شعری اړتیا پرته یې د کره والی جوگه گڼلای نه شو. هرگوره، د (-wy) ډول بېلگې چې ځینې یې مور په همدې لیکنه کې وړاندې کړې دي، د وینګ اسانې له پلوه د ټولیزوالی او کره والی وړتیا درلودای شی.

(۳) په درېیمه کچه کې له ناغږن تمبېواک (پ-) سره پیلېدونکې بېواکوړی راځي، لکه: پروت، پرته، پسول، پوره، پرپر، پړین، پړپښول، پړپوتل، پړبول، پړبمېنخل، پړپوان، پړیخ، پړانگ، پړوبی، پړوستی، پړوکی، پړومبي، پړه، پړانه، پړسه، پړسور، پړسول، پړسلی، پړسی، پړن، پړنه، پړنی، پړنېمان، پړار، پړول، پړندی، پړنده، پړوره، پړه، پړلش، پړیاڅه، پړیاغله، پړیاژړندی، پړیاړ غنده، پړیاړمه، پړیاړ، پړیاڅه، پړیاغله، پړیاڅی، پړیاڼه، پړیاڼده (چوتی، کوڅی)، پړیاوړکی، پړیاوړی، پړیاوی... .

(۴) په پزیزو (ن، م) او نورو بېلابېلو غرونو پیلېدونکې دوغږیز سرکلسترونه، لکه په دې وییونو کې: ملل، نگیل (احساسول)، مرل، مړینه، نمونخ (لمونخ)، نمخ، نمانخل، نجل، نغینتل، نغارل، رغبنتل، نښتل، نښلول (مښلول)، نما نخنه، نمز دک (مزدک)، نمړی (مړی، نوری)، نمسی

(حالت) پړپړدی او یا تری په جلا جلا وینګ سره ډډه کوی، لکه: (پېز- وان) او (هین - دا - ره). په دې ډول هېدوانه او هندوان له کمپېښو درې غږیزو منځني واکوړیو څخه گڼلای شو، همداسې نانغتن پاتې په ۱۷ مخی کې

شوی، زړه، تره، کرل، تلل، لونل، زمول، زمول، درې، درون (دروند)، ترورمی (زیاتره له سپورمی سره انډولېږي)...

## کارکن سیاسی و کار انقلابی

کارکن سیاسی کیست؟

کارکن سیاسی به مفهوم انقلابی آن شخصی است که به خاطر تغییرات بنیادی به نفع اکثریت توده های تحت ستم مبارزه می نماید.

کارکن سیاسی به مفهوم انقلابی، روشنفکرانه و روشنگرانه آن کسی است که به کاوش در متن جامعه پرداخته، نا به سامانه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به مطالعه می گیرد، علت وجودی آنها را ریشه یابی و دسته بندی می کند و در جهت تغییر آن به نفع رفاه اجتماعی از طریق مبارزه برای کوتاه کردن دست ستمگران از هستی لایه های زحمتکش جامعه پیش می رود.

کارکن انقلابی سیاسی، پیوندهای تباری قبیله و چسپیدن به گرایشات مذهبی دینی را یکسو گذاشته در جهت بسیج سازی و تشکل یابی لایه های تحت ستم اجتماعی برای پیکار بی امان، حساب شده و متناسب به عینیت جامعه سعی مستمر به خرج می دهد؛ درین راستا موضعگیری قاطع و راسخ اختیار نموده تفکر انقلابی را در محور فعالیت سیاسی خویش قرار میدهد.

سازماندهی کار انقلابی ضرورت به شناخت و مذاقه وضعیت موجود اجتماعی دارد که کارکن سیاسی - انقلابی در ابعاد متفاوت اما به هم پیوسته آن را به پژوهش می گیرد، مدون می کند و راه های مناسب و قابل پذیرش تحقق آن را ارایه می دارد.

ماهیت ضد استبداد و ارتجاع سامان یافته و وابسته به امپریالیزم و راه های مبارزه بر ضد آن را باید نی از طریق "من می گویم و تو قبول کن"، بل از طریق بحثها، گفتگو ها و مناظره های سیاسی سالم و سازنده هویدا و برملا نمود، وجوهات مشترک نیروهای مبارز را تشخیص و آنها را به مقصد سازماندهی مبارزه مشترک فارغ از غلبه خود محورهای حزبی، قومی، مذهبی و وابسته گیهی منفعتی داخلی و بیرونمرزی ستمدهی نمود.

نیروی جنبش دادخواهانه و دموکراتیک در شفافیت تفکر و عمل انقلابی شان نهفته است. اگر به این مسأله توجه نگردد جفای گذشته بار دیگر تکرار خواهد شد. لهذا پیشنهاد می گردد:

تمام نیروهای دموکراتیک و انقلابی از مصیبتهای گذشته عبرت گیرند و برای ایجاد فضای اعتماد یکبار گذشته جنبش را با همه دست آوردها و اشتباهات اش، صادقانه و نقادانه بررسی نمایند.

نیروهای ضد استعمار و تجاوز از نمونه گیریهای ذهنیگرانه و غیر عملی پیشرفتهای غرب بپرهیزند. آنها باید به پژوهش و مطالعه ساخت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بپردازند و بر مبنای آن راهکارهای مبارزاتی خود را تا نیل به اهداف دموکراتیک تنظیم نمایند.

کارکنان سیاسی انقلابی تمام نیروی خود را متمرکز به ایجاد فضای تفاهم، توأم با واقعیت نگری جامعه افغانی نمایند. به باور من تمام جریانات دموکراتیک چپ مرتکب اشتباهات و حتا خطاهای نابخشودنی شده اند، لیکن باید فرصت بدهیم که فضای انتقاد و انتقاد از خود به گونه عینی و مسوولانه و متعهدانه به اثر کار و پیکار رفیقانه مساعد گردد. اعتماد متقابل میان نیروهای مترقی ایجاد گردد و طرحهای مشخص، کارا، قابل قبول و قابل اجرا به دسترس گذاشته شود. اعتماد متقابل میان نیروهای مترقی فضای خشک و بسته حزبی، سازمانی و گروهی را به فضای باز و مساعد برای گفتمان سیاسی فراگیر تبدیل می نماید و به آینده نگری جا خالی می کند. با چسپیدن به گذشته و بالیدن به افتخارات کاذب که عامل اصلی مکدر شدن گفتمانهای سازنده می گردد باید وداع گفت!

بسیار ضروری پنداشته می شود که کارکنان سیاسی انقلابی دریابند که افغانستان در شرایط قرن هجدهم، نوزدهم و یا قرن بیستم اروپا و آسیا به سر نمی برد. بافت جامعه افغانی ماهیتاً متفاوت است که حتا تا هنوز از ابزارهای ملت شدن نیز بهره مند نگردیده و در یک حالت از هم گسیخته از نظر اجتماعی و غرق در گرداب رقابتهای داخلی، منطقوی و بین المللی قرار دارد. بالاتر از شصت در صد مردم در مناسبات قبیله یی و قوماندانان سالاری زیست می نمایند. نظام طبقاتی کلاسیک جای اش را به یک انارشی وارداتی

سپرده که از سوی استعمار جهانی رهبری می شود.

پس در چنین شرایط ضرور است:

- نیروهای مترقی و انقلابی در یک حزب منسجم سیاسی دموکراتیک مدافع منافع زحمتکشان متشکل شوند.
- به ویژه گیهی اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانی اولویت دهند.
- وجوه مشترک را بر اختلافات در نظریات ترجیح دهند.
- به ثروتهای جامعه افغانی توجه جدی مبذول داشته در بارور شدن آنها بذل مساعی نمایند.
- از پندار گرایی و آرمانگری به واقعیت گرایی رو آورده تا به شناخت واقعی جغرافیای انسانی، سیاسی و اقتصادی جامعه افغانی نایل آیند.
- در پی راهکارهای که جنبش ترقیخواهان را از انواع گوناگون وابسته گیهی مضر و ناسالم نجات می دهد، بر آیند.

# آینده

د افغانستان د آینده غورځنگ مرکزی اورگان

\*\*\*

صاحب امتیاز: نهضت آینده افغانستان

مدیر مسوول: قدوس زریر

سکرتر مسوول: عصمت نایبخیل

\*\*\*

وجه اشتراک سالانه و یا چهار شماره: مبلغ ۱۰ یورو

بانک و نمبر حساب:

Name of the Bank:

Credit Mutuel

IBAN (International Bank Account Number):

FR۷۶ ۱۰۲۷ ۸۰۱۲ ۲۶۰۰ ۰۲۰۱ ۰۲۲۰ ۱۵۱

BIC (Bank Identifier Code): CMCIFR۲A

\*\*\*

آدرس تماس بامدیر مسوول:

ayenda-editor@ayenda.org

آدرس تماس با سکرتر مسوول:

asmat\_n@hotmail.com

آدرس سایت انترنیتی نهضت آینده افغانستان:

www.ayenda.org

تحت نظر هیئت تحریر:

پوهاند دوکتور مجاور احمد زیار، دوکتور ببرک ارغند، داود اسعد،

قدیر محبوب، شمس صمدی